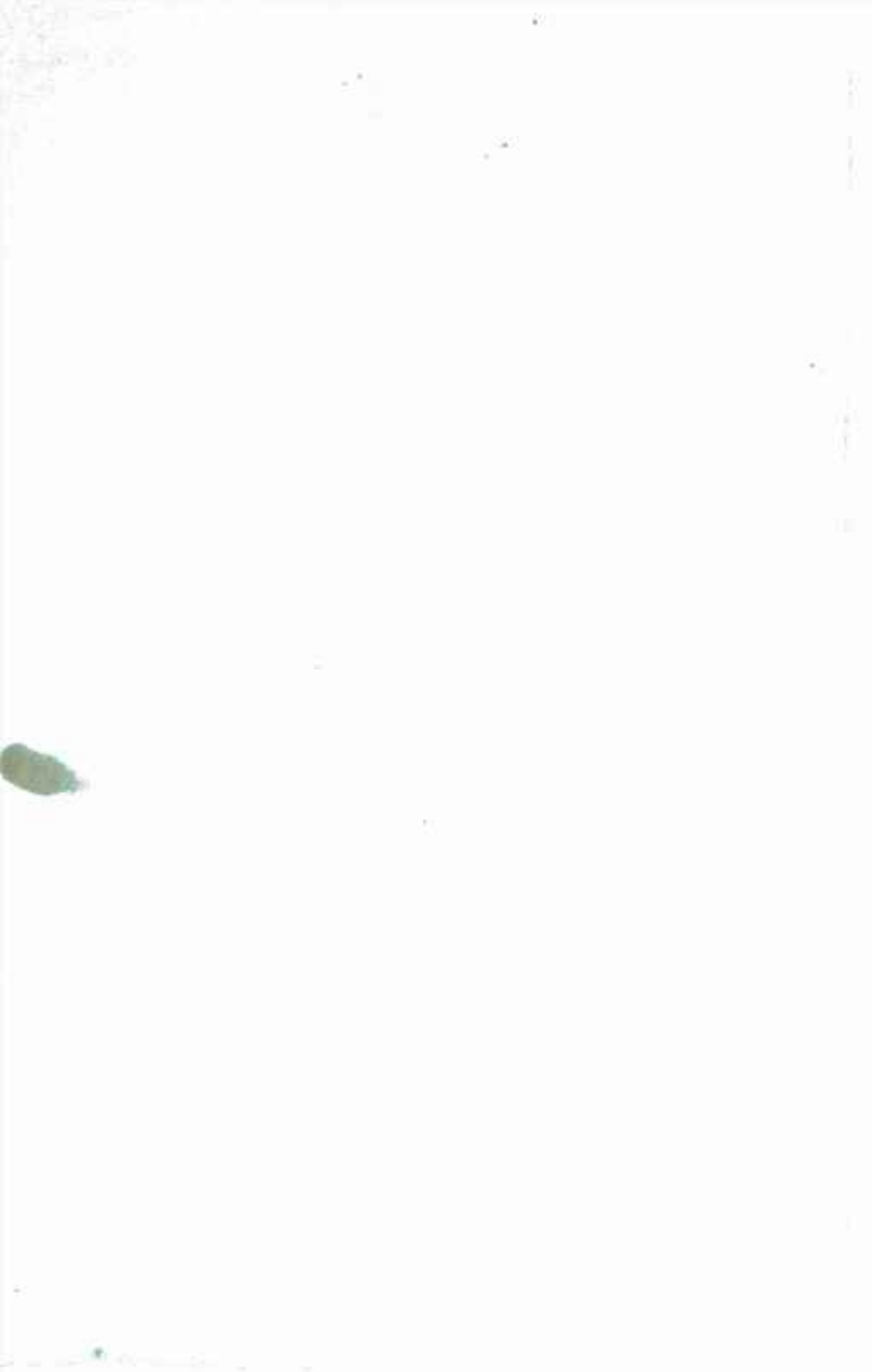




تألیف و تنظیم: دکتر سید محمد مصفاوی





دعا مسبران
ازت آن کجی

میهن‌تخلیم، دکتر نعمت‌دم صفیاری

نام کتاب : ادعیه پیامبران

تہیہ و تنظیم : دکتر مقدم صفیاری

چاپ اول : بہمن ۱۳۶۵

تعداد : ۱۰۰۰ نسخه

ناشر : خانہ فرهنگ جمهوری اسلامی ایران ، لاہور

چاپخانہ : مطبعۃ المکتبۃ العلمیۃ ، ۱۵ لیک روڈ ، لاہور

پاکستان

فہرست مطالب

- ۱-۲۰ پیشکفتار و ترجمہ آن
- ۲۱-۴۷ مقدمہ و ترجمہ آن
- ۴۹ نیایش حضرت آدم و حوا (علیہما السلام)
- ۵۰-۵۵ نیایش حضرت نوح علیہ السلام
- ۵۶ نیایش حضرت صالح علیہ السلام
- ۵۷-۶۷ نیایش حضرت ابراہیم علیہ السلام
- ۶۸-۶۹ نیایش حضرت لوط علیہ السلام
- ۷۰ نیایش حضرت ایوب علیہ السلام
- ۷۱-۷۲ نیایش حضرت یوسف علیہ السلام
- ۷۳ نیایش حضرت شعیب علیہ السلام
- ۷۴-۸۲ نیایش حضرت موسیٰ علیہ السلام
- ۸۳-۸۴ نیایش یاران حضرت موسیٰ (۴)
- ۸۵ نیایش آسیہ ہمسرفرعون
- ۸۶ نیایش ہمراہان طالوت
- ۸۷-۸۸ نیایش حضرت سلیمان علیہ السلام
- ۸۹ نیایش بلقیس ملکہ سبا
- ۹۰ نیایش حضرت یونس علیہ السلام
- ۹۱-۹۲ نیایش حنہ مادر حضرت مریم

۹۳-۹۴	نیایش حضرت زکریا علیه السلام
۹۷	نیایش حضرت عیسی علیه السلام
۹۸	نیایش حواریون حضرت عیسی (ع)
۹۹	نیایش اصحاب کمف
۱۰۰-۱۰۲	نیایش فرشتگان
۱۰۳	نیایش پارسایان
۱۰۴-۱۳۸	نیایش هائی از حضرت محمد صلی الله علیه وآله پیامبر گرامی اسلام و اصحاب ایشان
۱۳۹	شعر نیایش (دعا) از علامه اقبال لاهوری
۱۴۰-۱۴۲	فهرست منابع و مأخذ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پیشگفتار

پس از درود بر محمد (ص) و آل او ای پروردگار
به رحمت خود در آسایش را بروی ما بگشا و بقوت خود غم
ها را از ما دور گردان و منهدم ساز ، و مرا در شکر هایم
به توجه کامل و گشایش آسان ارزانی دار ، و از لطف بی نهایت
درگاهت در رحمت بروی من باز کن و نجات و خلاصی سریع
مقرر ساز ، تو بر آنچه در آن افتاده ام آگاهی و بر دفع آن
قادری ، پس قدرتت را بکار بر اگرچه شایسته این همه عنایت
تو نباشم .

پرستش و نیایش اگر از راه نیاز خواهی باشد ، مخصوص
خداست ، چون تنها اوست که می تواند نیازها را برآورد :
بگو آیا به جای خدا چیزی را نیایش کنیم که برای ما نه
سودی دارد نه زیانی . . . *

کیست که دست نیاز بسوی او دراز نکند و هانطور که
فرموده است تمام موجودات اعم از جالدار و بی جان بجمد و

* سوره العنکبوت ، آیه ۷۰

ثمای او مشغولند . زیرا نیایش منحصر به انسان ها نیست ،
دل هر آدمی مرکز احساسات عرفانی و مرتبط با کانون نامرئی
حیات است . این قلب را نمی شود با هر چیز سیراب نمود .
نیایش زیباترین ، لطیف ترین و عمیق ترین نیاز فطری قلب
بشر است . نیایش پرواز انسان است بسوی پروردگار ، نیایش
سیر روحانی و مکاشفه درونی است که در آن وجود آدمی به
غلیان در می آید ، می سوزد ، می جوشد ، به روح تبدیل می
شود ، آنگاه به فراخنای هستی پرواز می کند و در کل هستی
مضمحل می گردد .

شیعه و سنی از حضرت رسول اکرم (ص) روایت کرده اند ،
که فرمود : دعا اسلحه مومن است .

از حضرت صادق (ع) روایت شده که آن بزرگوار
فرمود :

” دعا قضای پا برجا شده را بر می گرداند ، پس دعا
کنید ، زیرا دعا کلید رحمت خدا است و موجب برآمدن
حاجت است و جز بوسیله دعا کردن به آن نعمت که پیش خدا
است نمیتوان رسید و هر دری که زیاد بکوبی خبر می شود “ -

گفت پیغمبر که گر کوبی دری

عاقبت ز آن در برون آید سری

یکی از علل و اسبابی که خداوند در کار انسان مؤثر قرار داده است نیایش است . یعنی آن آدمی که با تمام وجود رو بسوی پروردگارش می آورد و با او به راز و نیاز می پردازد و خواسته خود را از او طلب می کند ، درست است که خدا عالم بر هر چیز است و از مکنونات قلبی و راز درونی همه کس آگاهی دارد ، ولی همانطور که او در مناسبات بشر با طبیعت ، کار و کوشش و عمل و عکس العمل را مقرر فرموده و ناپرده رنج را گنجی میسر نیست ، در مناسبات خدا با بندگانش نیز نیایش و استجابت آنرا مقرر ساخته است .

” و اذا سالک عبادی عنی فانی قریب اجیب دعوة الداع

اذا دعان فلیستجیبوالی ولیومنوا بی لعلمهم یرشدون“ . *

(و چون بندگان من از دور و نزدیکی من از تو پرسند ، بدانند که من به آنها نزدیک خواهم بود و هر که مرا خواند دعای او را اجابت نمایم . پس باید آنها دعوت مرا بپذیرند و بمن بگردند باشد تا به سعادت راه یابند). درباره نیایش گاهی به این سؤال بر می خوریم که : ”مگر با دعای ما اراده خداوند تغییر می کند ، که از ما می خواهد دعا کنیم و از او چیزی طلب نمایم . اراده پروردگار که قابل عوض شدن نیست“ .

در حقیقت باید گفت که خداوند بزرگ ازلی و اراده او
 نیز ازلی و تغییرناپذیر است ، ولی همان اراده ازلی و تغییر
 ناپذیر مقرر فرموده که در بخش بزرگی از جهان هستی یعنی
 بخش طبیعت ، هر زمان پدیده‌های جدیدی بوجود آیند که در
 پیدایش آنها عوامل قبلی مؤثرند. از جمله در برخی اوقات عمل
 بندگان و دعای آنها که آنها عملی از اعمال آنهاست نقش و تأثیر
 شگرفی دارد ، تصویری که همان اراده ازلی بر عهده آن
 گزارده است . بنا بر این هم خدا ازلی و هم علم و اراده او
 ازلی است و هم در هر لحظه پدیده های نو پدید می آید که
 گاهی "من" ، "نیاز من" ، "عمل من" و "نیایش من" در
 پیدایش آنها مؤثرند .

تصمیمات خدا عوض نمی شود . ولی تصمیمات او برای
 افراد باصلاحیت و بدون صلاحیت فرق می کند . سر نوشت
 همان می باشد ولی انسان طبق سر نوشت خود استحقاق می
 یابد و برای راحتی بیان خود ما تبدیل خود را به تبدیل سر نوشت
 تعبیر می کنیم. سر نوشت از بیرون تغییر نمی یابد بلکه از درون
 متغیر می شود .

تو اگر تقدیر نو خواهی رواست

زانکه تقدیرات حق لا انتهاست .

(جاوید نامه)

در میان نیایش ها ، دعای معصومین شور و حال خاصی دارد ، و از بین آنها نیایش حضرت فاطمه زهرا (س) دخت پیامبر گرامی اسلام جایگاهی مخصوص ، زندگی ، شخصیت و سیره والای این بانوی بزرگوار اسلام سراسر درس و تجلی ارزش ها و کرامت های انسان الهی می باشد و نمونه کاملی از احکام و تعالیم و معارف مکتب وحی و تجسم شخصیت اصیل و ارزش حقیقی زن در اسلام در وجود ایشان تبلور یافته است .

فاطمه زهرا (س) آنچنان عاشقانه با پروردگار عالم راز و نیاز می کند که آدمی به هیجان در می آید . ایشان میفرمایند :
"خداوندا ترا سوگند به علم غیب خویش ، و به توانائی و قدرت بر آفرینش که به زندگی تداوم بخش تا آن هنگام نه به صلاح من است و به حیاتم پایان ده هر گاه که مرگ برایم بهتر (از زندگی) باشد .

خداوندا ! از تو میخواهم که کلمه اخلاص (لا اله الا الله) را در عقیده و عمل و گفتار تحقیق بخشم و خوف و خشیت ترا در حال خشم و خشنودی مدنظر قرار دهم ، و میانروی و اعتدال را در وقت ثروت و تنگدستی در نظر بگیرم و از تو رضای به قضایات را می جویم .

خداوندا! ما را به زیور ایمان زینت بخش، و ما را
هادیانی هدایت شده قرار بده.*

می‌دانیم که تنها برگزیدگان و بندگان خاص پروردگار
هستند که با تعالیم الهی و هدایت باطنی بدرجات عالی درک و
عرفان می‌رسند و می‌دانند که چگونه با ذات احدیتش راز و
نیاز نمایند. خداوندا! اگرچه زبانم قاصر است و نمیدانم چگونه
راز دلم را با تو در میان بزم، ای تو که دانا ترین دانایان
هستی! من عباراتی در خور شان و مقام تو ندارم و نمیدانم چه
بگویم؟ اما پیامبران و اولیای کرامت بهتر می‌دانند که
چگونه با تو راز و نیاز کنند.

خدایا شکر تو که بهترین این کلمات را به والاترین
پیامبرانت وحی کردی و در معظم ترین کتاب، یعنی قرآن مجید
نازل فرموده ای، اگرچه دعا های بسیاری از ائمه معصومین
و بزرگان دین در دست داریم و از میان آنها می‌توانیم مناسب
حالات متناسب ترین را برگزینیم، ولی نه گوینده پیامبر گرامی
اسلام (ص) است و نه سخن وحی الهی، و نه کتاب قرآن کریم،
اگرچه در ارزش آنها جای بحث و گفتگو نیست، مسلماً این
گویندگان بندگان خاص خدا هستند. ما برای دعا های مختصر

خود که همگام با نماز و اوقات کوتاه بکار می بریم ، بهتر از قرآن مجید و دعای پیامبران که در قرآن کریم آمده است چیزی ندیده ایم که به آن استناد کنیم و از آن استفاضه نمائیم ، پس چه بهتر که مناجات ها و ادعیه این بزرگان راه حق را که خداوند سابقه اجابت آنها را دارد هر زمان متناسب حال خودمان تکرار کنیم .

هنگام نیایش پرده های ضخیم عالم محسوسات از روی قلب به کنار می رود و مشعل فروزان روح آدمی پرتو افشانی می نماید و اینجاست که ضمیر آرامش می یابد ، نفس تصفیه می شود ، روح انبساط می یابد و احساس نشاط دست می دهد و آنگاه وجود انسان از کمال مطلق ملامت می گردد . زیرا نیایش احساس احترام و ستایش به عظمت الهی و ابراز خضوع و خشوع و تسلیم و رضا در برابر خالق است . چه حالی به انسان دست می دهد . اگر اثر ایمان خود یعنی لطف خاص خدا را نسبت بخود به بیند . لذتی که از راه موفقیت در توحید برای انسان دست می دهد و شور و حالی که کسب می کند بسیار شیرین است زیرا آن شایستگی را بدست آورده که توفیق دعا و مناجات با خدای عز و جل را پیدا کند و از مواهب این حالت مقدس و روحانی بهره مند گردد .

در قرآن نمونه های متعددی از رویدادهای تازه که برخلاف پیشبینی انسان بوده است آمده از قبیل نیایش حضرت موسی (ع) (سوره طه - آیه های ۲۵ و ۲۶) و فرزند خواهی حضرت زکریا (ع) (سوره مریم آیه های ۱ تا ۹) با بررسی این نمونه ها به وضوح روشن می شود که از نظر قرآن نیایش و دعا خود علت و سببی است مؤثر همچون علل و اسباب دیگر. یعنی هالطور که آفریدگار عالم در نظام علیت بر عهده نور، حرارت، الکتریسیته، جاذبه و... نقشی گزارده و مثلاً گیاهی یا ترکیبی شیمیائی را در درمان فلان بیماری مؤثر قرار داده، بر عهده دعای واجد شرایط نیز سهمی گزارده و آنرا در رسیدن انسان به خواسته هایش مؤثر قرار داده است. این تأثیر تنها به آثار روانی و تلقینی دعا بسنده نمی کند. البته نیایش از این نظر نیز نمونه های شناخته شده و دیده شده بسیار دارد. امید را زنده، اراده را قوی و بسیاری از توان های خفته را در آدمی بیدار می کند و او را به کار و کوششی که از او انتظار نمی رود وا میدارد. اما تأثیری که قرآن بر این نیایش میفرماید، چیزی است خیلی والا تر از اینها و رساترین عبارت برای بیان آن چنین است: از رید قرآن نیایش خود سببی مستقل است و تأثیر آن منحصر

در آثار روانی آن از قبیل تقویت اراده و نظایر آن نیست .
در خاتمه لازم میدانم از همه کسانی که در چاپ و نشر و گسترش
این اثر سودمند مساعدت کردند تشکر کنم و امید دارم که
این خدمت مختصر در پیشگاه شیفتگان راه حقیقت و دلباختگان
اُممه اطهار مورد قبول افتد و ما را در نیایش خویش مد نظر
آورند .

مع الله التوفیق

دکتر شهین مقدم صفیاری

سر آغاز

محمد و آل محمد (ع) پر درود کے بعد . . . اے پاک پروردگار! ہم پر اپنی بے پایاں رحمتوں کے دروازے کھول دے، اپنی قدرت کاملہ سے ہمارے ہم و غم کو دور فرما اور ہمیں توفیق عطا فرما کہ ہم تیری عطا کردہ نعمتوں کا شکر ادا کرنے کی طرف ہمہ تن مشغول رہیں۔ اے رب کریم! اپنی بے پایاں رحمتوں والی بارگاہ کا ایک در رحمت ہم پر بھی وا کر دے۔ ہم جن مشکلات میں گرفتار ہیں ان سے تو بخوبی واقف ہے اور ان مشکلات کو رفع کرنے پر مکمل قدرت رکھتا ہے۔ اگرچہ ہم خود کو تیری ان عنایات کا اہل نہیں سمجھتے لیکن تو ستار العیوب ہے اپنی قدرت مطلقہ کے وسیلے سے ہماری ان مشکلات کو رفع فرما۔ اے رب العزت! حقیقت الامر یہ ہے کہ اگر عبادت و مناجات اظہار بندگی و نیازمندی کی غرض سے ہو تو وہ صرف تیری بارگاہ کے لیے زیبا ہے کیونکہ تو ہی ہے جو اپنے بندوں کی حاجتوں کو پُر لاتا ہے۔

”کیا ہم لوگ خدا کو چھوڑ کر ان (معبودوں) سے
 مناجات کریں جو ہمیں نفع پہنچا سکتے ہیں نہ ہمارا کچھ
 ہکاڑ سکتے ہیں۔“ (سورہ انعام، آیہ ۷۰)

خدا کی حمد و ثنا کرنا انسانوں تک ہی محدود نہیں
 بلکہ یہ تو خود خداوند تعالیٰ کا فرمان ہے کہ جملہ موجودات
 عالم خواہ وہ جاندار ہوں یا بے جان، اس کی حمد و ثنا میں
 مشغول اور اس کی بارگاہ میں محو مناجات رہتے ہیں، تو
 ایسے میں کون ہے جو اس کی جانب دست دعا بلند نہیں کرتا۔

ہر شخص کا قلب عرفان و آگہی کا مرکز ہے اور وہ
 اس عظیم اور وسیع کائنات کے اندر موجود سرچشمہ زندگی کے
 ساتھ مربوط و منسلک ہے۔ اس کے دل کی کھپتی کو صرف
 دعاؤں کی آبیاری سے ہی سرمبز و شاداب رکھا جا سکتا ہے۔
 مناجات انسان کے لیے ایک خوبصورت خدائی تحفہ ہے۔ یہ
 اس کی ایک لطیف اور اہم ضرورت ہے۔ دعا اللہ تعالیٰ کی
 طرف انسان کی پرواز ہے۔ مناجات و دعا کی بدولت انسان
 کو سیر روحانی اور مکاشفۃ داخلی کی نعمتیں میسر آتی ہیں۔
 انسان کے دل میں سوز و محبت الہی کا ایک جہان آباد ہو
 جاتا ہے۔ اس کے دل سے نکلی ہوئی تمنائیں روح کی صورت
 میں کائنات کی وسعتوں میں پرواز کر جاتی ہیں اور آخر کار

حقیقت مطلق کی بارگاہ میں پیوست ہو جاتی ہیں۔

اہل سنت و اہل تشیع کی روایات میں مانتا ہے کہ حضرت پیغمبر اسلام (ص) نے فرمایا: ”دعا مومن کا اسلحہ ہے۔“

حضرت امام جعفر صادق (ع) سے روایت ہے کہ آپ نے فرمایا: ”دعا مسلمہ تفلیر کو بدل دیتی ہے۔ پس دعا کیا کرو کہ اس سے رحمت خداوندی کے دروازے کھلتے ہیں، اور اسی وسیلے سے حاجات پوری ہوتی ہیں۔ جو نعمتیں خداوند عالم کی بارگاہ میں میسر ہیں، ان تک رسائی صرف دعا کے ذریعے ہی ممکن ہے۔ اس کے دروازہ رحمت پر جتنی زیادہ دستک دو گے اتنی ہی جلدی وہ تمہاری طرف متوجہ ہوگا۔“

اللہ تعالیٰ نے انسان کی زندگی کے مختلف امور میں جن اسباب کو مؤثر قرار دیا ہے ان میں دعا و مناجات بھی شامل ہے۔ ایک شخص جب اپنی تمام تر توجہات کو خداوند عالم کی طرف مبذول کر لیتا ہے، اس کے ساتھ راز و نیاز میں مشغول ہو جاتا ہے اور اپنی آرزوؤں کو اس کی بارگاہ میں پیش کرتا ہے تو اپنا گوہر مقصود درگاہ الہی سے جلد ہی پا لیتا ہے۔ درست ہے کہ اس کی ذات وحدہ لا شریک اپنے

بندے کے ہر امر سے بغور ہی آگاہ ہے بلکہ اس کے قلب میں
 مخفی خواہشات سے بھی مکمل واقفیت رکھتی ہے مگر جس
 طرح اس نے فطرت اور انسان کے درمیان رابطہ میں سعی و
 کوشش اور جہد و عمل کو مؤثر قرار دیا ہے اور اسی بنا
 پر جو شخص محنت نہیں کرتا وہ ثمر حاصل نہیں کر پاتا،
 اسی طرح خالق کائنات نے اپنے اور بندے کے درمیان مستحکم
 تعلق خاطر کے لیے دعا اور مناجات میں بڑی تائید رکھی ہے۔
 بارگاہ ایزدی میں دعا کرتے وقت لوح ذہن پر کبھی
 کہہ کر یہ سوال بھی ابھرتا ہے کہ آیا ہماری دعا سے خداوند
 عالم کا ارادہ تبدیل ہو جاتا ہے؟ حقیقت یہ ہے کہ خداوند
 تعالیٰ کا ارادہ تو ناقابل تغیر ہوتا ہے لیکن جس طرح کائنات
 میں اس کی حیثیت ازلی و ابدی ہے، اسی طرح اس کا ارادہ بھی
 ہمیشگی اور دوام کا حامل ہوتا ہے۔ جس طرح کائنات کی وسعتوں
 میں ہر وقت تازہ کاریاں ہوتی رہتی ہیں اور نئی نئی چیزیں
 معرض وجود میں آتی رہتی ہیں۔ حقیقت میں ان کی تخلیق
 میں کچھ عوامل پہلے سے کار فرما ہوتے ہیں۔ بعینہ اللہ کے
 بندوں کے اعمال اور ان کی دعائیں بھی ان تازہ آفرینیوں میں
 حیرت انگیز اثرات رکھتی ہیں۔ اس سے یہ بات پایہ ثبوت
 کو پہنچتی ہے کہ کائنات میں ہر لحظہ جو نئی نئی اشیاء

عالم ظہور میں آتی رہتی ہیں ان کی تخلیق میں اکثر اللہ کے بندوں کی حاجات، اعمال، دعائیں اور مناجاتیں بھی بڑے گہرے اثرات و نقوش رکھتی ہیں۔

خدا کے فیصلے اٹل ہوتے ہیں لیکن اس کے یہ مقررہ اور معینہ فیصلے باصلاحیت اور بے صلاحیت افراد کے لیے یکساں مؤثر نہیں ہوتے۔ تقدیر تو معین ہوتی ہے اور انسان اپنی تقدیر سے مطابق اپنا حق بھی حاصل کر لیتا ہے لیکن ہم اپنی فہم کی آسانی کے لیے اپنے اندر ظہور پذیر ہونے والے تغیرات کو تقدیر کا نام دے لیتے ہیں۔ انسان کی تقدیر خارج سے تبدیل نہیں ہوتی بلکہ اس کی تبدیلی کی صدائے بازگشت خود انسان کے باطن سے سنائی دیتی ہے :

تو اگر تقدیر نو خواہی رواست

زانکہ تقدیرات حق لا انتہاست

(جاوید نامہ اقبال)

یوں تو ائمہ اطہار (ع) کی جملہ دعائیں اور مناجاتیں اپنے اندر خاص معنوی و روحانی اثرات رکھتی ہیں لیکن ان میں سے جناب پیغمبر اسلام (ص) کی دختر گرامی حضرت سیدہ فاطمہ الزہرا (س) کی دعاؤں اور مناجاتوں کو ایک منفرد اور ممتاز مقام حاصل ہے۔ اس عظیم خاتون کی زندگی، شخصیت

اور سیرت سے ہمیں شاندار اسلامی اقدار اور تجلیات کا درس ملتا ہے۔ آپ کی ذات اقدس میں ہمیں اسلامی عقائد و تعلیمات کا مکمل پرتو نظر آتا ہے۔ جناب سیدۃ النساء العالمین رب ذوالجلال کی بارگاہ میں اس قدر خلوص و تضرع کے ساتھ اظہار بندگی و نیازمندی کرتی ہیں کہ انسان کا دل پگھل جاتا ہے۔ فرماتی ہیں :

”اے میرے پروردگار! تجھے قسم ہے اپنے عالم الغیب ہونے کی اور تجھے قسم ہے اس کائنات پر دست تصرف حاصل ہونے کی، مجھے صرف اس وقت تک نعمت زندگی سے بہرہ مند رکھنا جب تک تو اسے میرے لیے مفید و مودت مند سمجھتا ہے اور جب تو میری نسبت یہ خیال کرے کہ اب میرے لیے زندگی سے موت بہتر ہے تو مجھ پر موت وارد کر دینا۔ اے میرے آقا و مولا! میں تیری بارگاہ ذوالعزت میں بصدق لہت و خالوص قلب اس امر کی توفیق طلب کرتی ہوں کہ کلمہ لا الہ الا اللہ کو میرے ہندار، گفتار اور کردار کا جزو لاینفک بنا دے۔ میں تجھ سے دعا کرتی ہوں کہ میرے رنج و الم اور خوشی و مسرت کے لحظات میں ہمیشہ تیرا خوف و خشیت میرے مد نظر رہے اور میانہ روی و اعتدال کے راستے کو اپنی زندگی کے ہر لمحے کے لیے مشعل راہ بناؤں۔ میں تیری بارگاہ میں تیری رضا کے ساتھ راضی رہنے کی

آرزو کرتی ہوں - اے میرے پاک پروردگار ! ہمارے کردار
 کو زیور ایمان سے مزین فرما اور ہمیں ایسے ہادی قرار دے
 جو تیری درگاہ سے ہدایت یافتہ ہیں۔ (بحار الانوار، جلد ۱،
 ص ۲۲۵)

اے رب کریم! میں اس امر سے آگاہ ہوں کہ تیرے
 برگزیدہ اور خاص بندے ہی تیرے احکام و فرائض پر عمل
 کر کے باطنی وجدان و ہدایت حاصل کرتے ہیں اور تیری
 معرفت میں بلند مقامات پر فائز ہوتے ہیں اور وہ تیری
 ذات وحدہ لاشریک کے ساتھ راز و نیاز میں مشغول ہونا خوب
 جانتے ہیں۔ اے میرے پالنے والے! میری زبان تیرا وصف
 بیان کرنے سے قاصر ہے اور میں ان آداب سے واقف نہیں
 ہوں جن کو ملحوظ رکھ کر اپنے دل کی باتوں کو تیرے
 روبرو بیان کیا جا سکتا ہے۔ اے اعلم العالمین! میرے پاس
 تیرے شایان شان الفاظ نہیں ہیں کہ میں تیری بارگاہ میں
 اظہار بندگی کر سکوں، ہاں البتہ تیرے فرستادہ انبیاء اور
 اولیاء تیرے دربار میں حاضری دینے کے آداب کا خوب عرفان
 رکھتے ہیں۔ اے احکم الحاکمین! تیرا شکر کہ تو نے
 بہترین دعائیہ کلمات اپنے عالیقدر پیغمبروں پر بصورت وحی
 نازل کیے اور ان کا ذکر اپنی انتہائی قدر و منزلت والی کتاب
 قرآن مجید میں بھی کیا۔

اگرچہ ائمہ معصومین (ع) اور دیگر بزرگان و اکابر دین کی بہت ساری دعائیں ہمارے سامنے ہیں اور ان میں سے ہم اپنے حسب حال انتخاب کر کے بارگاہِ احدیت میں اپنے ٹوٹے پھوٹے اور بے سلیقہ لب و لہجہ میں ان کا ذکر بھی کرتے ہیں لیکن یہ ذکر کرنے والا تو ایک ناچیز ہے جسے نہ تو حضرت پیغمبر اسلام (ص) کے اعلیٰ ترین مقام و منصب کا شعور حاصل ہے اور نہ اس کی زبان سے نکلے ہوئے الفاظ، الفاظِ وحی کی مانند ہیں۔ مگر آخر کار وہ خدا تعالیٰ ہی کا ایک گنہگار اور معصیت کار بندہ ہے اور وہی اس کی زبان میں تاثیر بھی پیدا کرنے والا ہے۔ ہمیں ایسی جملہ دعاؤں اور مناجاتوں سے کسبِ فیض کرنا چاہیے جو البیاء (ع) و اولیاء کرام کی طرف سے سندیت اور خداوند عالم کی بارگاہ میں درجہ استجابت رکھتی ہیں اور بزرگانِ راہِ حق ان کا ورد کر کے کسبِ سعادت کرتے رہے ہیں۔

یہ ایک مسلمہ حقیقت ہے کہ مناجات کے وقت عالمِ محسوسات کے ضخیم پردے انسان کے دل پر سے ہٹ جاتے ہیں اور روحِ انسانی کی شمعِ فروزاں نورِ افشاں ہو جاتی ہے، امرِ واقعی یہ ہے کہ یہی وہ موقع ہے جب ضمیرِ انسان کو تسکین و راحت نصیب ہوتی ہے، نفسِ انسانی کی آلائشیں

دھل جاتی ہیں ، روح کو دولت اطمینان اور قلب کو ثروت انبساط مل جاتی ہے اور یہی وہ وقت ہوتا ہے جب انسان کو اپنی ذات کے کمالات کا صحیح شعور حاصل ہوتا ہے کیونکہ مناجات تو عظمت اللہ کے اعتراف ، خضوع و خشوع کے اظہار اور خود کو رضائے خداوندی کے تابع کر دینے ہی کا دوسرا نام ہے ۔

لسان خود کو اس وقت کتنے ارفع و اعلیٰ مقام پر محسوس کرتا ہے جب اس کے دل میں یہ احساس جاگزیں ہوتا ہے کہ اسے رب ذوالجلال کی عنایات حاصل ہو رہی ہیں ۔ خدا شناسی کے راستے پر گامزن ہونے کے دوران میں اسے جب کوئی کامیابی نصیب ہوتی ہے تو اس کی خوشی و مسرت کی کوئی انتہا نہیں رہتی ۔ جب وہ بارگاہ احدیت میں دعا و مناجات کی سعادت و اہلیت سے بہرہ ور ہو رہا ہوتا ہے تو اس کا دل مرکز الطاف و اکرام اللہ بن جاتا ہے اور اس کے قلب و روح کو ایک گونہ پاکیزگی و طہارت حاصل ہو جاتی ہے ۔

قرآن مجید میں ایسی متعدد مثالیں موجود ہیں جن کی رو سے دعا و مناجات کو منجملہ اسباب و علل عالم قرار دیا گیا ہے ۔ مثلاً حضرت موسیٰ (ع) کی دعا (سورہ طہ ، آیات ۲۵ - ۲۶) اور حضرت زکریا (ع) کی اولاد کے لیے دعا (سورہ مریم ،

آیات ۱ تا ۹) وغیرہ۔ ان دعاؤں کے دقیق و عمیق مطالعہ سے یہ بات واضح و روشن ہو جاتی ہے کہ ہارگاہ ایزدی میں دعا و مناجات کس قدر گہرے اثرات کی حامل ہے۔ خدائے وحدہ لاشریک کی اس وسیع و عریض سلطنت کے نظام میں روشنی، حرارت، بجلی، کشش ثقل وغیرہ جیسے عوامل کارفرما ہیں اور جس طرح آن میں سے ہر قوت عاملہ اس بسیط سلطنت کے دیگر موجودات پر اپنا اثر و نقش رکھتی ہے، اور جس طرح مختلف جڑی بوٹیاں اور متنوع کیمیائی اشیاء گونا گوں بیماریوں کے لیے شفائی اثرات اپنے اندر رکھتی ہیں اسی طرح خداوند عالم نے مختلف دعاؤں میں اگر وہ چند مخصوص شرائط کے ساتھ مانگی جائیں تو ان میں بھی گہرے اثرات رکھے ہیں اور حقیقت یہ ہے کہ مشاہدہ اور تجربہ نے ہمیشہ یہ ثابت کیا ہے کہ ان دعاؤں کے ظاہری اور روحانی اثرات بڑی سرعت سے مرتب ہوتے ہیں۔ منجملہ ان اثرات کے ایک یہ بھی ہے کہ دعائیں انسان کی امیدوں اور تمنائوں کو زندہ رکھتی ہیں، اس کے ارادوں کو مضبوط و مستحکم بناتی ہیں اور انسان کی بہت ساری مخفی اور خواہیدہ صلاحیتوں کو اجاگر کرتی ہیں اور نتیجتاً انسانوں کے ہاتھوں سے بعض ناممکن، غیر معمولی اور غیر متوقع کارنامے بھی انجام پا جاتے ہیں۔ خود قرآن مجید میں مذکورہ دعاؤں کے عمیق اثرات

بتائے گئے ہیں اور قرآنی نقطہ نظر سے بھی دعا و مناجات کو اسباب و علل کائنات میں ایک مستقل حیثیت حاصل ہے اور ان کے باطنی و معنوی اثرات میں صرف تقویت ارادہ وغیرہ ہی شامل نہیں بلکہ اس کے دامن میں تو اس سے آگے بڑھ کر بھی بہت کچھ ہے۔

آخر میں میرا یہ فرض ہے کہ ان سب احباب کا شکر یہ ادا کروں جنہوں نے اس مفید تالیف کی طباعت اور نشر و اشاعت میں میری اعانت فرمائی۔ مجھے امید ہے کہ میری یہ مختصر سی کوشش سالکین راہ حقیقت اور پیروان حضرات مجدد و آل مجدد (ع) کے لیے مفید مطلب ثابت ہوگی اور یقین ہے کہ وہ ہمیں بھی اپنی دعاؤں میں یاد رکھیں گے۔

ومن الله التوفيق

دکتر شہین دخت مقدم صفیاری

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مقدمه

نیایش‌کشش روح است بسوی کانون غیر مادی جهان، راز و نیاز درونی بشر است با کمال مطلق و ارتباط قلبی انسان است با ذات عالم هستی . . . صرفنظر از اجر و پاداشی که برای نیایش می باشد و قطع نظر از اثر استجابی که بر دعا مترتب است، نیایش اگر از حد زبان بگذرد و دل با زبان هم‌آهنگی کند و روح انسان به اهتزاز در آید، یک روحانیت بسیار عالی دارد، مثل اینست که انسان خود را غرق در نور و روشنی می‌بیند و شرافت گوهر انسانیت را در آن هنگام احساس میکند . آنوقت خوب درک میکند که در سایر اوقات که چیزهای کوچک او را بغود مشغول داشته بود و او را آزار می داد، چقدر پست و حقیر بوده است . انسان وقتیکه از غیر خدا چیزی میخواهد احساس خواری می‌کند و زمانی که از خدا چیزی طلب می‌کند احساس غرور و عظمت می‌نماید . بدین جهت دعا هم طلب است و هم مطلوب، هم مقدمه و هم نتیجه . اولیاء خدا هیچ چیزی را با اندازه نیایش خوش نداشتند، همه آرزوهای دل

خود را با محبوب واقعی در میان می گذاشتند و بیش از آنچه که به مطاوب خود اهمیت بدهند برای راز و نیاز با معبود خویش ارزش قائل بودند. افراد بشر وقتی به مصیبتی گرفتار می شوند و از علل و اسباب رفع آن نیز عاجز می گردند بخود می آیند، تکان می خورند و البته این یک امر طبیعی و فطری می باشد. گاهی پرده گناه و شقاوت در وجود انسان روی آن را می گیرد، در کشاکش مصائب که پرده زایل میشود خود بخود این میل تحریک میشود و بهیچان در میاید.

شخصی از حضرت صادق (ع) پرسید، چه دلیلی بر وجود خدا هست، فرمود: آیا تاکنون کشتی سوار شده ای؟ گفت بلی. فرمود: آیا اتفاق افتاده که کشتی در طوفانی قرار گیرد و در معرض غرق شدن باشد و امید تو از همه جا بریده شود؟ گفت بلی یک همچو اتفاق افتاد، فرمود: آیا در آنوقت دلت متوجه بجائی بود و ملجاء و پناهی میجست و از قلمرق تقاضای کمک میکردی که تو را نجات دهد؟ گفت بلی. فرمود: او همان خدا است.

امام صادق (ع) خداوند را از راه دل خود شخص باو شناساند "وفی النفسکم افلا تبصرون" * این میل و این توجه که در فطرت بشر هست که در مواقع قطع امید متوجه قدرت قاهره

غالبی فوق العاده و عالی ظاهری می شود خود دلیل بر وجود چنان قدرتی است، اگر نبود چنین تعاملی در انسان پیدا نمی شد. میل به شیر خوردن از اول در کودک هست، وقتی که گرسنه میشود و این میل در وجودش پیدا می شود، این کشش تحریک میشود و او را هدایت می کند که در جستجوی پستان مادر ندیده و نشناخته و انس و عادت نگرفته بر آید. این میل که خود بخود راهنا است، او را وادار میکند که دهانش را باز کند و در جستجو بر آید، اگر نیافت گریه کند. خود گریه کردن، استمداد و کمک خواستن از مادر است.

انسان نسبت به امیال عالی انسانی حق طلبی و خدا جوئی گرایش به دعا و نیایش و التجاه بخدای نادیده دارد، و حالت همان طفل نوزاد گرسنه را دارد نسبت به شیر پستان نادیده و ناشناخته مادر. البته اگر پستان و شیری که مناسب با معده طفل است نبوده، غریزه او بآن طرف هدایت نمی شد. ارتباط و پیوستگی بین این تعامیل و آن غذا و همچنین سایر امیال ذاتی انسان وجود دارد و هیچ میلی بیهوده در وجود انسان بودیعه نهاده نشده است، همه امیال برای احتیاج و رفع نیاز بوجود آمده است.

نیایش یکی از نیرومندترین عوامل تلطیف و تکامل روح

بشرمی باشد که در تربیت معنوی جامعه دستی اعجاز گر دارد. نیایش شرایطی دارد. شرط اول آنست که واقعاً نیاز در وجود انسان پیدا شود و تمام ذرات وجودی انسان، مظهر طلب گردد و واقعاً آنچه میخواهد بصورت یک احتیاج و استدعا و حاجت در آید. همانطوریکه اگر در یک نقطه بدن احتیاجی پیدا شود، تمام اعضاء و جوارح شروع بفعالیت می کنند، ممکن است عضوی بمقدار زیادی از کار خود را برای رفع نیازی که در فلان نقطه بدن پیدا شده است بکاهد. اگر مثلاً انسان احساس تشنگی کند حلق و کبد و معده و لب و دهان همه آب می طلبند، چون واقعاً بدن محتاج به آب است. احتیاج روحی و معنوی انسان که جزئی از عالم خلقت است نسبت به کل جهان این چنین است، روح انسان جزو از عالم وجود است. اگر واقعاً خواهش و نیازی در وجودش پیدا شود دستگاه عظیم خلقت او را بخود وا نمی گذارد. تا دل انسان با زبان هم آهنگی نداشته باشد نیایش واقعی نیست، باید در دل انسان جدأ و واقعاً نیاز و طلب پیدا شود، و در حقیقت در وجود انسان احتیاج پدید آید که میفرماید:

«ام من یجیب المضطر اذا دعاء ویکشف السوء»*

* آبا کیست که مضطر را هنگام نیاز اجابت کند و بدی را از وی دور سازد. (سوره نمل آیه ۲۷) .

شرط دیگر دعا ایمان و یقین است . ایمان برحمت بی‌منت‌های
ذات الهی، ایمان باینکه در رحمت خدا هیچ‌گاه بروی بنده ای
بسته نمیشود .

در حدیث است : "اذا دعوت فظن حاجتك بالباب" یعنی
آن‌گاه که دعا میکنی حاجت خود را دم در آماده فرض کن .
علی بن الحسین زین العابدین (ع) در دعای معروف ابو حمزه که
امید و اطمینان در آن موج میزند و آن حضرت در سحر ماه
مبارک رمضان میخوانده است این چنین بخدای خود میگوید :
"خداوندا من راه‌های نیاز را بسوی تو باز و صاف و چشمه
های امید بتو را مالا مال می‌بینم، و طلب از فضل و رحمت
تو را مجاز و باب‌های نیایش بروی آن‌آنکه ترا بخوانند و از
تو مدد بجویند گشاده می‌بینم، و یقین واثق دارم که تو آماده
اجابت دعای نیایش‌کنندگان و در کمین پناه دادن به پناه خواهندگان
هستی و نیز مطمئنم که به پناه بخشندگی تو رفتن و بقضای تو
رضا دادن کمبودهای حسد و بغل و امساک بغل‌کنندگان و ظلم
و تعدی ستمکاران را جبران میکند . و هم اعتقاد کامل دارم
آن‌کس که بسوی تو روانه شد، راه زیادی تا رسیدن بتو ندارد .
و مطمئنم چهره تو در پسر پرده نیست، این آمال و اعمال
تاشایست بندگان است که حجاب دیده آنها می‌گردد"

شرط مهم اینکه همه شئون زندگی انسان با نیایش هم
آهنگی داشته باشد. یعنی آنها با هدف تکوین و تشریح توازن
داشته باشند. دل پاک و با صفا باشد. رزق و روزی حلال
باشد. مظالم مردم بر گردن نداشته باشد. حدیثی است از
امام صادق (ع) میفرماید: "اذا اراد احدکم ان يستجاب له
فليطب كسبه و ليخرج من مظالم الناس. وان الله لا يرفع اليه
دعاء عبد وفي بطنه حرام او عنده مظلمة لاحد من خلقه" یعنی
هرگاه یکی از شما بخواهد دعایش مستجاب شود، کار و کسب
و راه در آمد و روزی خود را پاکیزه کند، و خود را از زیر
باز مضالمی که از مردم بر عهده دارد خلاص کند، زیرا نیایش
بنده ای که در شکمش مال حرام است بسوی خدا برده نمی شود.

شرط دیگر اینکه حالتی که بالفعل و آرزو دارد آن وضع
تغییر و گرایش بهتری بیابد. بعبارت دیگر حالی که دارد دعا
می کند و دگرگونی در او ایجاد می شود نتیجه عقوبت
و ترس از تقصیرات و گناهان او نباشد. که در این صورت
تا توبه نکند و علل و موجبات این حالت را از بین نبرد، آن
حالت مخصوص در او ایجاد نمی شود.

مثلاً اگر مردم در وثیفه خود کوتاهی کنند و بعقوبت
و نتیجه. منطقی این کوتاهی مبتلا شوند. آنوقت بخواهند

تقصیر خود را با دعا رفع کنند ممکن نیست. راه منحصر این است که توبه کنند و دو مرتبه در حدود امکانات خود عمل نمایند. در این صورت تدریجاً به هدف و مطلوب خود خواهند رسید.

«ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یتوبوا ما بانفسهم» * سنت الهی این است که مادامی که مردم وضع و حالت خود را در آنچه به خودشان مربوط است تغییر ندهند، خداوند سرنوشت آنها را تغییر نمی دهد. چگونگی نیایش نسبت به روح نیایش جنبه اساسی ندارد و قرآن کریم با کمال وضوح در این باره چنین می گوید: «خاور و باختر از آن خداست، پس بهر طرف رو کنید بسوی خدا روی آورده اید و خدا بهمه جا محیط و بهر چیز داناست.» **

آدمی که عمل نمی کند و تنها به نیایش می پردازد او کاری برخلاف سنت تکوین و تشریح میکند. امیر المومنین (ع) میفرماید: «الداعی بلا عمل کأرأمی بلا وتر» یعنی آنکه عمل نمی کند و دعا میکند مانند کسی است که با کمانی که زه ندارد میخواهد تیر اندازی کند. یعنی عمل و دعا مکمل یکدیگرند، دعای بدون عمل اثر ندارد. انسان باید قبل از هر چیز خود

* سوره رعد، آیه ۱۱.

** سوره بقره، آیه ۱۱۴ - (ولله المشرق والمغرب فاینما تولو

اثم وجه الله ان الله واسع علیم).

را بشناسد و بخود تکیه کند. خود شناسی رشته اتصال اجزاء جهان و نظام عالم دستی است.

شرط دیگر اینست که واقعاً مظهر حاجت باشد. در حقیقت موردی باشد که انسان دسترسی بمطلوب ندارد، عاجز است، ناتوان است، اما اگر خداوند کلید حاجتی را بدست خود انسان داده و او کفران نعمت میکند و از بکار برون آن کلید دریغ می ورزد و از خدا میخواهد آن دری را که کلیدش در دست نیایش کننده است بروی او باز کند و زحمت بکار بردن کلید را از دوش او بردارد، البته چنین دعائی قابل استجاب نیست و اینگونه دعاها را نیز باید از نوع دعا های مخالف سنن تکوین قرار داد. زیرا مراتب وجود و تعینات عالم با استحکام خودی و قوت ذات و شخصیت نسبت مستقیم دارد. خودی با نیروی اراده و سازندگی و آفرینندگی جان می گیرد و بنیان آن از عشق و محبت مستحکم می شود. خود شناسی آدمی را بی نیاز می سازد. جوهر خودی بر اساس اعتماد بنفس و عشق و اراده استوار است و قادر است همه نیروهای طبیعت را بسخر سازد. دعا برای کسب توانائی است، نیایش در صورتیکه خداوند قدرت مطاوب را به انسان داده است از قبیل طلب تحصیل حاصل است. در حقیقت باید

گفت در نظام طبیعت دعا برای آن نیست که جانشین عمل شود.
دعا مکمل و متمم عمل است و انسان می تواند با عمل کرد درست
به هدف و مقصود خویش نائل گردد.

علامه اقبال لاهوری در این باره گوید: "نیایش در اصل
جنبه غریزی دارد. عمل نیایش به قصد دست یافتن به معرات،
به تفکر شباهت دارد. ولی نیایش، در عالیترین صورت خود.
بیشتر و برتر از تفکر مجرد است. آن نیز مانند تفکر یک
فرایند مشاهده درونی یا مراقبه (assimilation) است. ولی
فرایند های مراقبه ای در نیایش به یکدیگر نزدیکتر می شوند و
نیرویی پیدا می کنند که بر اندیشه محض ناشناخته است. در
عمل تفکر، ذهن حقیقت و واقعیت را مشاهده و دنبال می کند، در
نیایش از وظیفه جستجوی کلیتی که گام آهسته کرده است دست
بر میدارد و از اندیشه برتر و بالاتر می رود و خود حقیقت
و واقعیت را تسخیر می کند، تا آگاهانه در زندگی آن شرکت
جوید. در این گفته هیچ امر سری و معانی وجود ندارد،
نیایش بعنوان وسیله اشراق نفسانی، عملی حیاتی و متعارف است
که به وسیله آن جزیره کوچک شخصیت ما وضع خود را در
کل بزرگتری از حیات کشف می نماید."

حقیقت این است که هر جستجوی معرفتی اصولاً نوعی

نیایش است. آنکه عالماله به مشاهده طبیعت می پردازد، همچو صوفی است که در نیایش خواستار دست یافتن به حقیقت است. پس نیایش خواه فردی باشد خواه اجتماعی، تجلی اشتیاق درونی است برای دریافت جوایی در سکوت هراسناک جهان. فرایند منحصر به فرد اکتشافی است که به وسیله آن من جوینده، در همان لحظه که نفی خودی خویشتن را می کند، به اثبات وجود خویش می رسد و به این ترتیب ارزش حقایقت وجود خویش را به عنوان عامل بالنده ای در حیات جهان اکتشاف می کند.

پیشوایان دین شبهای قدر را خیلی بزرگ میدانستند. زیرا ماه مبارک رمضان ماه نیایش و استغفار به درگاه الهی است. رسول اکرم (ص) در دهه آخر ماه رمضان دستور میداد، بسترش تا آخر این ماه گسترده نشود، زیرا در مسجد اعتکاف میفرمود و عبادت و نیایش و راز و نیاز با پروردگار می پرداخت. علی^(ع) مظهر کمال و عشق و انسانیت با آنهمه قدرت و شجاعت با آنهمه خضوع و بندگی، شور و عشق، آن چنان خاضعانه با پروردگار خویش راز و نیاز می کند که قابل فهم بشری نیست. علی بن الحسین^(ع) در ماه مبارک رمضان بیشتر شب ها بیدار بود و اوقات را به نماز و نیایش یا بدستگیری قراء و مستمندان میگزرائید.

آنها که لذت نیایش و انقطاع از خلق بخالق را چشیده اند هیچ شعفی را بر این لذت مقدم نمیدارند. دعا آنوقت باوج عزت و عظمت و خوشنودی میرسد و صاحب خود را غرق در سعادت می کند که دعا کننده لطف خاص الهی را در خود ببیند و آثار استجاب دعاى خود را مشاهده کند.

علماء می گویند فرق است: میان علم یقین و عین یقین و حق یقین، فرض کنید آتشی در نقطه ای افروخته شده است، یک وقت شما اثر آتش را مثل دود که بلند است می بینید و میدانید که در آنجا آتشی هست که این دود از آنجا بلند شده است. این علم یقین است.

یک وقت خود آتش را می بینید و این عین یقین است و بالاخره زمانی بقدری نزدیک می شوید که حرارت آتش به بدن شما میرسد این حق یقین است.

انسان ممکن است خدا را کاملاً بشناسد و بوجود مقدسش ایمان و اعتقاد داشته باشد، ولی در زندگی خصوصی خود اثر لطف خدا و عنایات خاص که به بندگانش ارزانی میفرماید نبیند، این مرتبه علم یقین است. ولی گاهی هست که عملاً اثر توحید را مشاهده میکند، دعا میکند و دعایش را مستجاب شده

می بیند . در کارها بخدا توکل میکند و از غیر خدا اعتمادش را قطع میکند و اثر این توکل و اعتقاد و ایمان را در زندگی خودش می بیند، اثر توحید را مشاهده میکند این مرتبه عین الیقین است . آن دسته از بندگان حق لذت می برند که اهل دل و اهل توکل و ایمان بخدا هستند و آثار نیایش های خود و توکل و اعتماد خویش را مشاهده میکنند، از نعمت ها بهره مند می شوند که برای ما کمتر قابل تصور است . بالاترین مرتبه آن است که دعاکننده در حقیقت خود را نمی بیند و مستقیماً جلوه حق را در خود دیده و خودی مشاهده نمی کند و در همه چیز او را می بیند .

بنابر این وقتی در دام سختی ها گرفتار آمدید، دست از تلاش نکشید، حرکت کنید، از ذات باری تعالی بخواهید زیرا هرگز نمی توانید پیش بینی کنید که راهی به سوی نجات نیست چرا که او هر روز در کاری است «کل یوم هو و فی شان»*

خدای عز و جل را سپاس که عنایتی ازلی تار و پود وجودم را مسخر ساخته و تمکین نیرو داده تا بتوانم از عهده این مهم برآیم . خدایا مرا بخود وامگذار تا بتوانم با نیروی الهی تو در راه خدمتی که قدم در راهش نهاده ام موفق گردم . آمین .

سَمِ الْقَدْرِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مقدمہ

دعا ، غیر مادی جہان کے مرکز کی طرف روح کی کشش ، کمال مطلق کے ساتھ انسان کا دلی راز و نیاز اور عالم ہستی کی ذات کے ساتھ قلبی تعلق کا نام ہے ۔ دعا کے اجر و ثواب اور دعا کی قبولیت پر اس کے اثرات کے قطع نظر ، حمد و ثناء اگر زبان کی حد سے گزر جائے اور دل زبان کے ساتھ ہم آہنگ ہو جائے تو انسان کی روح جھوم اٹھتی ہے اور ایک روحانی لذت حاصل ہوتی جا ہے ، جیسا کہ انسان خود کو نور اور روشنی میں غرق دیکھتا ہے اور اس وقت وہ انسانیت کے گوہر شرافت کا احساس کرتا ہے ، اور یہ اس کی سمجھ میں آتا ہے کہ وہ تمام چھوٹی چھوٹی چیزیں جو اس کی توجہ کو اپنی طرف مبذول کر کے رکھتی اور اسے تکلیف دیتی تھیں ۔ کس قدر حقیر اور ہست تھیں ، جب انسان غیر اللہ سے کوئی چیز مانگتا ہے تو ذلت کا احساس کرتا ہے ، لیکن جب خدا سے کوئی چیز مانگتا ہے تو غرور اور عظمت کا احساس کرتا ہے ، اسی لیے دعا طلب بھی ہے اور مطلوب

بھی ، تمہید بھی ہے اور نتیجہ بھی ۔ اولیاء اللہ دعا سے زیادہ کسی اور چیز کو پسند نہیں کرتے تھے اپنے دل کی تمام تر خواہشات کو اپنے حقیقی محبوب سے بیان کرتے اور اس سے زیادہ کہ اپنی خواہشات کو اہمیت دیتے اور اپنے معبود کے ساتھ راز و نیاز کی قدر و قیمت کے زیادہ قائل تھے ۔

جب انسان کسی مصیبت میں گرفتار ہوتا ہے اور اس کو رفع کرنے کی کوششیں اور علاجیں ناکام ہو جاتی ہیں تو وہ ہوش میں آتا ہے ، اور چونک جاتا ہے ، البتہ یہ ایک قدرتی اور فطری عمل ہے ۔ بعض اوقات انسان میں موجود گناہ اور شیطنیت اس پر چھائی رہتی ہے مصائب کی کشمکش میں جب پردہ اٹھ جاتا ہے ۔ یہ خواہش ظاہر ہوتی ہے اور اس میں ہیجان پیدا ہوتا ہے ۔

ایک شخص نے حضرت جعفر صادق (ع) سے پوچھا : خدا کے وجود کی کیا دلیل ہے ، آپ نے فرمایا ، اب تک کبھی کشتی پر سوار ہوئے ہو ؟ عرض کیا جی ہاں ، آپ نے فرمایا ، کیا کبھی ایسا اتفاق ہوا ہے کشتی طوفان میں گھر جائے اور طوفان میں غرق ہونے والی ہو اور ہر طرف سے آسید ختم ہو جائے اس نے کہا جی ہاں ایک بار ایسا اتفاق ہوا ، آپ نے فرمایا : کیا اس وقت تمہارا دل کسی طرف

متوجہ ہوا تاکہ وہ تمہاری پناہ اور ملجا بن سکے ؟ اور کیا کسی طاقت سے مدد چاہی تھی کہ تمہیں اس سے نجات دلائے ؟ اس نے کہا : جی ہاں ۔ آپ نے فرمایا وہ خدا ہی کی ذات ہے ۔

امام جعفر صادق (ع) نے انسان کے اپنے دل کے ذریعے خدا کو پہچنوا یا ”و فی انفسکم افلا تبصرون“ ، یہ رجحان اور یہ خیال جو انسان کی فطرت میں ہے جو ساری امیدیں ٹوٹ جانے کے بعد ایک مافوق الفطرت مضبوط طاقت کی طرف رجوع کرتا ہے اور اس میں کچھ اسباب ظاہر ہوتے ہیں جو بذات خود اپنی طاقت کے وجود کے لیے ایک دلیل ہے ، اگر ایسا نہ ہوتا تو انسان کے اندر یہ رجحان پیدا نہ ہوتا ۔

بچے میں دودھ پینے کا رجحان روز اول سے موجود ہے ، جب بھی اسے بھوک لگ جائے اس کے اندر یہ حرکت پیدا ہوتی ہے اور اس کو ماں کے دودھ (جس کو نہ اس نے دیکھا ہے اور نہ پہچانتا ہے ، نہ اس سے مانوس ہے) کی طرف لے جاتا ہے تاکہ اس کی تلاش کرے ، اور اس کا یہ رجحان جو خود بخود اس کا رہنا ہے ، اسے اس بات پر اکساتا ہے کہ وہ اپنا منہ کھولے اور اس کو تلاش کرے ، اور اگر نہ پائے تو رونے لگے اور اس کا یہ رونا خود ماں سے مدد مانگنے کا مترادف ہے ۔

حق طلبی اور خدا کی تلاش (جسے اعلیٰ انسانی رجحانات کے لیے انسان کو نادیدہ خدا سے النجا ، دعا و ثنا کی ضرورت ہے) کی یہ حالت ان دیکھے ماں کے نسبت آسی نوزائیدہ بھوکے بچے کی مانند ہے . البتہ اگر ماں کا دودھ بچے کے معدے کے لیے سازگار نہ ہو تو اس کی جبلت اس طرف مائل نہیں ہوتی . اس میل (رجحان) اور اس غذا اور دوسری تمام انسانی خواہشات (رجحانات) کے درمیان تعلق و رابطہ موجود ہے اور انسانی وجود میں کوئی ایسی خواہش نہیں جو بے مقصد اور بیہودہ اس میں خلق کی گئی ہو بلکہ تمام تر خواہشات ، ضروریات اور حاجات پوری کرنے کے لیے پیدا کی گئی ہیں ، دعا انسان کی روحی تکمیل و تسکین کے مؤثر عوامل میں سے ایک ہے جو معاشرہ کی معنوی قرابت میں معجزانہ کردار ادا کرتی ہے .

دعا کی بھی شرائط ہیں ، اس کی پہلی شرط یہ ہے کہ ایک ضرورت حقیقی معنوں میں انسان کے اندر پیدا ہو اور انسانی وجود کا ذرہ ذرہ طلب کا مظہر بن جائے حقیقتاً جو کچھ وہ چاہتا ہے ایک ضرورت ایک خواہش اور حاجت بن جائے جیسا کہ بدن کے ایک نقطے کو کوئی ضرورت پیش آئے تو بدن کے تمام اعضا و جوارح حرکت میں آکر سرگرم ہو

جائے ہیں اور ممکن ہے ایک عضو اس ایک لفظ کی ضرورت کو پورا کرنے کے لیے دوسروں کی نسبت زیادہ کوشش کرے۔ مثلاً اگر انسان پیاس محسوس کرتا ہے تو حلق، جگر، معدہ، ہولٹ اور منہ سب پانی مانگتے ہیں، کیونکہ بدن حقیقت میں پانی کا محتاج ہے۔ تمام کائنات کی نسبت انسان کی روحانی اور معنوی ضرورت (جو عالم طبیعت کا ایک جز ہے) اسی طرح ہے۔ انسان کی روح عالم ہستی کا ایک جز ہے، اور اگر واقعی اس کے وجود میں کوئی خواہش یا ضرورت پیدا ہو تو خالق کا یہ عظیم کارخانہ اس کو اکیلا نہیں چھوڑ دیتا، اور جب تک انسان کا دل اس کی زبان کے ساتھ ہم آہنگ نہ ہو جائے وہ حقیقی دعا نہیں ہے، انسان کے دل میں حقیقتاً اور لازمی طور پر ضرورت اور خواہش پیدا ہو جانی چاہیے اور حقیقت میں انسان کے اندر کوئی خواہش پیدا ہو جانی چاہیے۔

”امن یجیب المضطر اذا دعاه ویکشف السوء“

دعا کی دوسری شرط ایمان اور یقین ہے، یعنی ذات الہی کی بے شمار رحمتوں پر یقین، اس چیز پر ایمان کہ اس ذات کی طرف سے کوئی ممانعت نہیں ہے، اس بات پر ایمان کہ خدا کی رحمت کا دروازہ کبھی بھی اپنے بندوں پر بند نہیں ہوتا تمام

عیب اور نقص صرف بندے کی طرف سے ہیں ۔

حدیث شریف میں آیا ہے کہ ” اذنا دعوت فظن حاجتک بالباب“ یعنی جب بھی کوئی دعا کرو تو یہ فرض کرو کہ تمہاری خواہش پوری ہو کر تمہارے دروازے پر موجود ہے حضرت علی بن الحسین زین العابدین (ع) ابو حمزہ ثعالی کی مشہور دعا میں جو امید اور اطمینان سے مالا مال ہے اور آنحضرت (ع) (ماہ مبارک، رمضان میں سحر کے وقت پڑھتے تھے اپنے خدا سے اس طرح گویا ہیں :

” خداہا میں تیری طرف حاجت کے دروازوں کو کھلے دیکھتا ہوں اور تیری طرف امید کے چشموں کو جہتے ہوئے دیکھ رہا ہوں اور تیرے فضل و کرم سے مانگنے کو جائز اور جو لوگ تجھے پکارتے ہیں اور تجھ سے مدد اور نصرت طلب کرتے ہیں ان کے لیے دعا کے دروازوں کو کھلے ہوئے دیکھتا ہوں اور مجھے مکمل یقین ہے کہ تو دعا کرنے والوں کی دعاؤں کو قبول کرنے کے لیے تیار ہے اور پناہ مانگنے والوں کو پناہ دینے کے لیے حاضر ہے ۔ مجھ کو یہ بھی یقین ہے کہ تیری پناہ میں جانا اور تیری رضا کے ساتھ راضی رہنا حسد اور بخل کو کم ، اور بخل کرنے والوں کی پابندیوں اور ستمکاروں اور ظالموں کے ظلم کی تلافی کرتا ہے اور

مجھے بالکل یقین ہے کہ جو کوئی تیری راہ میں نکلے اسے تجھ تک پہنچنے کے لیے زیادہ فاصلہ طے نہیں کرنا پڑتا اور مجھے یقین ہے کہ تیرا چہرہ پردے میں چھپا ہوا نہیں ہے۔ یہ بندوں کے برسے اعمال اور خواہشات ہیں جو انسان کی آنکھوں پر پردہ ڈال دیتے ہیں۔“

اس کی ایک اور شرط یہ ہے کہ انسان کی زندگی کے معاملات دعا کے ساتھ ہم آہنگ ہوں۔ یعنی وہ مقصد تکوین اور تشریح کے ساتھ متوازن ہوں اس کا دل پاک و صاف ہو، رزق اور روزی حلال ہو اس کی گردن پر دوسروں کا حق نہ ہو۔

امام جعفر صادق (ع) سے ایک روایت ہے کہ فرماتے ہیں:
 ”اذا اراد احدکم ان يستجاب له فليطلب كسبه وليخرج من مظالم الناس وان الله لا يرفع اليه دعاء عبد وفي بطنه حرام او عنده مظلمة لاحد من خلقه“۔

یعنی تم میں سے کوئی چاہے کہ اس کی دعا قبول ہو تو اپنے کام یا کسب اور اپنی روزی کمانے کے ذرائع کو پاک کرے اور لوگوں کے حقوق سے اپنے آپ کو بری الذمہ کرے جو اس کے اوپر ہیں کیونکہ جس بندے کے پیٹ میں حرام مال ہوگا اس کی دعا خدا تک نہیں پہنچے گی۔

اس کی ایک اور شرط یہ ہے کہ اس کی موجودہ حالت کو جسے وہ چاہتا ہے بدل جائے اور بہتر ہو جائے یعنی دوسرے الفاظ میں جس حال میں وہ دعا کر رہا ہے اور اس میں تبدیلی آرہی ہے اس کی کوتاہیوں اور گناہوں سے خوف اور اس کے نتائج سے ڈر کا نتیجہ نہ ہو، ایسی صورت میں جب تک توبہ نہ کرے اور اس حالت کی وجوہات اور اسباب کو ختم نہ کرے۔ وہ مخصوص حالت اس کے اندر پیدا نہ ہوگی۔

مثلاً اگر لوگ اپنے کام میں کوتاہی کریں اور اپنی اس کوتاہی کے منطقی نتیجہ اور سزا میں مبتلا ہو جائیں اور اس وقت وہ اپنی غلطیوں کو دعاؤں سے دور کرے تو یہ ناممکن ہے دوبارہ عمل کریں تو اس کی بہترین راہ یہ ہے کہ توبہ کریں اور اپنی وسعت کے مطابق دوبارہ عمل کریں تو ایسی صورت میں آہستہ آہستہ اپنے مقصد اور ہدف کو پا سکیں گے۔

ان الله لا يغير ما بقوم حتى يغيروا ما بأنفسهم - سنت الہی یہ ہے کہ جب تک لوگ اپنے آپ سے متعلق حالت کو نہیں بدلتے خداوند ان کے مقدر کو نہیں بدلتا ہے۔

دعا کی روح سے زیادہ دعا کے طریقے کا پہلو زیادہ بنیادی

نہیں ہے۔

اس بارے میں قرآن پاک واضح طور پر فرماتا ہے ،
 ”مشرق اور مغرب خدا کے ہیں ، پس جس طرف بھی رخ کرو
 خدا کا رخ بھی اسی طرف ہے۔“

جو شخص عمل نہیں کرتا ہے - امیرالمومنین (ع) فرماتے
 ہیں - الداعی بلا عمل کا لرامی بلاوتر - یعنی جو عمل نہیں
 کرتا اور دعا کرتا ہے ، اس شخص کی مانند ہے جو اس کہان
 سے تیر اندازی کرنا چاہتا ہے جس میں ڈوری نہ ہو - یعنی
 عمل اور دعا ایک دوسرے کو مکمل کرتے ہیں ، عمل کے
 بغیر دعا اثر نہیں رکھتی - انسان کو ہر چیز سے پہلے خود
 کو پہچاننا چاہیے - اور اپنے آپ پر بھروسہ کرے - خود
 شناسی اجزا جہاں اور کائنات کے ملاپ کا ذریعہ ہے -

ایک اور شرط یہ ہے کہ حقیقی طور پر ضرورت کا مظہر
 ہو در حقیقت ایسا معاملہ ہو جس میں انسان مطلوب کو نہیں
 پا سکتا ہے - وہ عاجز ہے - ناتوان ہے . لیکن اگر خدا نے
 ضرورت کی چاہی خود انسان کے ہاتھ میں دی ہے
 مگر وہ کفران نعمت کرے اور اس چاہی سے فائدہ نہ اٹھائے اور
 وہ خدا سے کہے کہ اس دروازے کو کھول دے جس کی چاہی
 دعا کرنے والے کے ہاتھ میں ہے - اور اس چاہی کو استعمال
 کرنے کی زحمت کو اس کے ذمے سے اٹھائے البتہ ایسی دعا

قابل قبول نہیں۔ اور اس قسم کی دعاؤں کو بھی فطرت تکوین نظام کائنات کے مخالف قرار دیا جانا چاہیے۔ اس لیے مراتب وجود اور خودی کے استحکام اور ذات و شخصیت کی قوت کے ساتھ براہ راست مربوط ہے۔

خودی کو ارادہ اور تخلیق و تعمیر کی طاقت سے تقویت ملتی ہے اور اس کی بنیاد عشق اور محبت سے پکی ہوتی ہے۔ خود شناسی انسان کو بے نیاز بنا دیتی ہے اور خودی کے جوہر کی بنیاد نفس پر اعتماد اور عشق اور ارادے پر قائم ہے اور وہ فطرت کی تمام طاقتوں کو مسخر کرنے پر قادر ہے۔ دعا طاقت حاصل کرنے کے لیے ہے۔ اس صورت میں کہ خدا نے انسان کو مطلوب کی طاقت دی ہوئی ہو تو دعا تحصیل مقصد کی خواہش کا مترادف ہے۔

حقیقت میں یوں کہنا چاہیے کہ قدرت کے نظام میں دعا اس غرض کے لیے نہیں ہے کہ وہ عمل کی جانشین ہو بلکہ دعا عمل کی تکمیل اور ترمیم کر کے والی چیز ہے۔ اور انسان اپنے صحیح اعمال سے اپنے مقصد اور آرزو کو پا سکتا ہے۔ علامہ اقبال (رح) اس بارے میں فرماتے ہیں دعا در حقیقت ایک فطری چیز ہے اور معرفت حاصل کرنے کے لیے دعا کا عمل سوچنے کی مانند ہے۔ لیکن دعا اپنی اعلیٰ ترین صورت میں محض

سوچنے (فکر) سے بڑھکر اور بہتر ہے۔ اور وہ تفکر کی مانند اندرونی مشاہدہ یا نگرانی کا نتیجہ ہے۔ لیکن دعا میں نگرانی کے نتائج ایک دوسرے کے نزدیک تر ہو جاتے ہیں اور ایک ایسی قوت پیدا ہوتی ہے جس کو فکر کے بغیر نہیں پہچانا جا سکتا۔ تفکر کے عمل میں ذہن جو حق اور حقیقت کا مشاہدہ اور اس کی جستجو کرتا ہے فکر کی سطح سے بلند و بالا ہو جاتا ہے اور خود حقیقت اور واقعیت کو مسخر کرتا ہے تاکہ آگاہی کے ساتھ اس کی زندگی میں داخل ہو جائے۔ اس قول میں کوئی چیز ڈھکی چھپی نہیں بلکہ دعا لسانی، عملی، حیاقی اور متعارفی روشنی پھیلانے کا ایک ذریعہ ہے جس کے ذریعے ہماری شخصیت کا چھوٹا جزیرہ زندگی کی بڑی اور کلی شکل میں اپنے آپ کو پا لیتا ہے۔

حقیقت یہ ہے کہ معرفت کی ہر قسم کی تلاش اصولی طور پر دعا کی ایک قسم ہے جو عالمانہ طور پر فطرت کا مشاہدہ کرتی ہے۔ اس صوفی کے مانند ہے جو دعا کے ذریعے حقیقت کو پانے کا خواہشمند ہے۔

لہذا دعا چاہے انفرادی ہو یا اجتماعی، دنیا کی خوفناک خاموشی کا جواب حاصل کرنے کے لیے اندرونی سوز و عشق

کی تجلی ہے۔ یہ انفرادی دعا کا نتیجہ ہے کہ ڈھونڈنے والا اسی لمحے جب اپنی خودی کی نفی کر رہا ہوتا ہے اپنے وجود کے اثبات تک پہنچ جاتا ہے۔

اس طرح کائنات کے ایک ارتقائی عنصر کی حیثیت سے اپنے وجود کی حنالت کی قدر و قیمت کو سمجھ لیتا ہے۔

پیشوایان دین لیلۃ القدر کی راتوں کو بہت عظیم جانتے تھے کیونکہ رمضان کا مبارک مہینہ درگاہ الہی میں دعا و استغفار کا مہینہ ہے۔ رسول اکرم (ص) ماہ رمضان کے آخری عشرے میں حکم دیتے تھے کہ اس ماہ کے آخر تک ان کا بستر نہ لگایا جائے کیونکہ آپ مسجد میں اعتکاف فرماتے تھے اور عبادت و دعا اور اللہ کے ساتھ راز و نیاز میں مصروف رہتے تھے۔ حضرت علی (ع) جو انسانی کمال، انسانی شور و عشق کا مظہر تھے، اس تمام طاقت و شجاعت کے باوجود اپنے پروردگار کی درگاہ میں، خضوع و خشوع، بندگی اور عشق و مستی سے اتنا راز و نیاز فرماتے تھے کہ انسانی سمجھ سے باہر تھا۔ حضرت امام زین العابدین (ع) رمضان کے مبارک مہینے میں راتوں کو اکثر بیدار رہتے اور زیادہ تر وقت نماز، دعا، حمد و ثنا یا پھر فقیروں اور مساکین کی امداد میں گزارتے تھے۔ وہ جو حمد و ثنا اور خالق کے مخلوق کے رشتے

کی لذت کو چکھ لیں، کسی اور خوشی کو اس لذت پر مقدم نہیں سمجھتے۔ دعا اس وقت عزت و عظمت اور رضا کے عروج پر پہنچتی ہے اور اپنے کرنے والے کو سعادت میں غرق کر دیتی ہے کہ وہ خدا کی مخصوص عنایت کو بذات خود دیکھ لے اور اپنی دعا کی قبولیت کے آثار کو اپنی آنکھوں سے خود مشاہدہ کرے۔

«وَأَلْنِي حَسَنَ النَّظَرِ فِي مَا شَكَرْتُ وَاذْقَنِي حَلَاوَةَ الصَّنْعِ فِيمَا
مَثَلُ»

اللہ جس چیز کو میں نے آپ سے مانگا ہے، اس کے بارے میں اپنی نیک نظر (رائے) سے مجھے آگاہ کر اور جو چیز میں نے تجھ سے مانگی ہے، اس کی قبولیت کی شیرینی مجھے چکھا دے۔

علماء کہتے ہیں علم الیقین، عین الیقین اور حق الیقین میں فرق ہے۔ فرض کریں کسی ایک جگہ پر آگ جل رہی ہے۔ کبھی آپ اس آگ سے اٹھنے والے دھوئیں کو دیکھ کر کہتے ہیں کہ وہاں آگ ہے۔ یہ دھواں وہاں کسی آگ کے شعلے سے اٹھ رہا ہے۔ یہ علم الیقین ہے۔ اور کبھی آپ خود آگ کو دیکھتے ہیں تو یہ عین الیقین ہے اور آخر کار آپ اس کے نزدیک پہنچ جائیں اور آگ کی حرارت کو محسوس

کرنے لگیں تو یہ حق الیقین ہے -

ممکن ہے انسان خدا کو مکمل طور پر پہچان لے اور اس کے مقدس وجود پر ایمان اور اعتقاد رکھتا ہو، لیکن اپنی ذاتی زندگی میں خدا کی خاص عنایات اور کرم کو جو وہ اپنے بندوں پر کرتا ہے نہ دیکھے، یہ علم الیقین کا مرتبہ ہے۔ لیکن کبھی ایسا ہو کہ توحید کے اثر کو عملی طور پر مشاہدہ کرتا ہے، اس حالت میں دعا کرتا ہے اور اپنی دعا کو قبول ہوتے ہوئے دیکھتا ہے، اپنے کاموں میں خدا پر توکل کرتا ہے اور غیر خدا پر توکل اور اعتماد نہیں رکھتا اور اپنے اس توکل اور اعتماد کے اثرات کو اپنی زندگی میں دیکھ لیتا ہے۔ یہ مرحلہ جس میں توحید کے اثر کو مشاہدہ کرتا ہے، عین الیقین کہلاتا ہے۔ خدا کے بندوں کا وہ گروہ لذت کا احساس کرتا ہے جو اہل دل اور خدا پر توکل اور ایمان رکھنے والے ہیں اور اپنی دعاؤں اور خدا پر اعتماد اور توکل کے نتائج کا مشاہدہ کرتے ہیں، اس کی نعمتوں سے فائدہ اٹھاتے ہیں جو ہمارے لیے قابل تصور نہیں۔

بلند ترین درجہ وہ ہے جس میں دعا کرنے والا حقیقی طور پر اپنے آپ کو نہیں دیکھتا اور براہ راست حق کے جلوے کو اپنے وجود کے اندر دیکھتا ہے، لیکن بذات خود

نہیں دیکھتا اور ہر شے میں اسے اپنی ذات نظر آتی ہے۔
 لہذا جب مشکلات میں گھر جائیں تو سعی و کوشش سے
 باز نہ رہیں، حرکت کریں اور اللہ تعالیٰ کی ذات سے مانگ لیں،
 اس لیے کہ کبھی بھی تم پیش گوئی نہیں کر سکتے کہ
 نجات کا کوئی راستہ نہیں ہے اس لیے کہ:
 کل یوم ہو فی شان (سورۃ الرحمن)

اللہ تعالیٰ کا شکر ہے، اس کی ایک ابدی عنایت نے میرے
 وجود کی رگ رگ کو مسخر کر رکھا ہے اور مجھے طاقت
 دی کہ اس بڑی ذمہ داری کو انجام دے سکوں۔
 خدایا مجھے اپنے آپ پر نہ چھوڑ تاکہ تیری خدائی
 طاقت کے ذریعہ میں نے جس خدمت کی راہ میں قدم رکھا ہے،
 اس میں کامیاب ہو جاؤں۔ آمین

دعای حضرت آدم علیہ السلام

۲۳- پروردگار ما ، ماہ

نفس های خودمان ستم کردیم
و اگر تو مارا نیامرزی و بر ما
رحمت نکنی ، البته از زیانکاران
شویم .*

رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنفُسَنَا وَإِن لَّنَا
تَعْفُرٌ لَّنَا وَرَحْمَةٌ لِّلَّذِينَ تَن
بِئْنَ الْخَاسِرِينَ ﴿۲۳﴾ (الاعراف)

اے ہمارے پروردگار ! ہم نے ظلم کیا اپنی جانوں پر
اور اگر نہ بخش فرمائے تو ہمارے لیے اور نہ رحم فرمائے
ہم پر تو یقیناً ہم نقصان اٹھانے والوں سے ہو جائیں گے ۔

Our Lord ! We have wronged ourselves,
if Thou forgive us not and have not mercy
upon us, indeed, we shall be ruined (7 : 23).

* این آیت را مترجمان طبری چنین ترجمہ کرده اند و گفتند :
« خداوند ما ستم کردیم بر تن های ما و اگر نیامرزی مارا و رحمت نکنی
بر ما ، ما ستم از زیانکاران » (ترجمہ و تفسیر طبری ج ۲ ص ۴۹۹
چاپ یقمانی)

دُعای حضرت نوح علیہ السلام

۲۶۔ پروردگار من مرا
یاری ده بدانچه تکذیبم می کنند.

رَبِّ انصُرْنِي بِمَا كَذَّبْتَنِي ﴿٢٦﴾
الشمس

اے رب! (اب) ! تو ہی میری مدد فرما کیونکہ انہوں
نے مجھے جھٹلا دیا ہے۔

My Lord ! Help me, for they accuse me of
imposture (23 : 26).

۱۱۷۔ پروردگار من قوم
من مرا دروغ زن شمارند.

۱۱۸۔ پس داوری کن میان
من و میان ایشان داوری (نیکو)
ونجات ده مرا و هر کس کہ با من
است از مؤمنان .

رَبِّ اِنَّ قَوْمِي كَذَّبُوْنِي فَاصْنَعْ
بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ قَحْحًا وَوَجِّعْنِي
وَمَنْ مَّعِيَ مِنَ الْمُؤْمِنِيْنَ ﴿١١٧﴾
الشعراء

میرے مالک! میری قوم نے تو مجھے جھٹلا دیا ہے،
 بس تو فیصلہ فرما دے میرے اور ان کے درمیان جو فطمی
 ہو اور (اپنے عذاب سے) نجات دے مجھے اور جو میرے ساتھ
 ہیں اہل ایمان سے۔

My Lord! Behold, my people treat me as
 a liar. Therefore judge Thou between me and
 them with judgement, and deliver me and the
 believers who are with me (26 : 117-118).

۱۔ من مغلوب شدم، (تو)

داد من بستان .

أَنَا مَغْلُوبٌ فَانصُرْ

العنقرۃ

میں عاجز آ گیا ہوں پس تو (ان سے) بدلہ لے۔

My Lord! Behold, I am vanquished, so
 help (me) (54 : 10).

۲۶۔ پروردگار من از کافران
بر روی زمین دیاری مگذار

۲۷۔ واگر تو آنان را
واگذاری ، بندگان تو را گمراه
کنند و آنها جز بدکار ناسپاس
نزیابند . *

۲۸۔ پروردگار من ، پیامبر
مرا و پدر و مادر مرا و آراکه
با ایمان بسرای من درآید ، و
مردان مؤمن و زنان مؤمن را ،
و ستمکاران را جز تباهی سبفزای.

اے میرے رب ! نہ چھوڑ روئے زمین پر کافروں میں
سے کسی کو بستا ہوا اگر تو نے ان میں سے کسی کو چھوڑ
دیا تو وہ گمراہ کر دیں گے تیرے بندوں کو اور نہ جنیں
گے مگر ایسی اولاد جو بڑی بدکار ، سخت ناشکر گزار
ہوگی۔ میرے رب ! بخش دے مجھے اور میرے والدین کو
اور اسے بھی جو میرے گھر میں ایمان کے ساتھ داخل ہوا
اور بخش دے - سب مومن مردوں اور عورتوں کو۔ اور
کفار کی کسی چیز میں اضافہ نہ کر بجز ہلاکت و بربادی کے

رَبِّ لَا تَذَرْنِي عَلَى الْأَرْضِ مِنَ
الْكَافِرِينَ دَيَّارًا ۝ إِنَّكَ إِن
تَذَرْنِي يَتْلُوا عِبَادَكَ وَلَا
يَلِدُوا إِلَّا فِجْرًا كُفَّارًا ۝ رَبِّ
اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمَنْ
دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا وَ
لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَلَا تَزِدِ
الظَّالِمِينَ إِلَّا تَبَارًا ۝ (سورح، ۱۱)

My Lord ! Leave not in the land one dweller from among the disbelievers. For indeed, if Thou leave them, they will send astray Thy bondmen, and will beget none save wicked ingrates. My Lord ! Forgive me and my parents, and him who entereth mine house believing, and believing men and believing women, and increase the evil-doers in naught save perdition (71 : 26-28).

۴۱- بنام خداست روان
 شدن آن و ایستادن آن .
 ییکمان پروردگار من آمرزگار
 مهربان است .

بِسْمِ اللَّهِ يَجْرِمُهَا وَمُرْسِيَهَا
 إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٤١﴾
 «معه»

* یعنی . هیچکس را ، و این کلمه در نفس عام استعمال می شود .
 نوح دعا کرد و گفت : بارخدا یا ، رها مکن بر پشت زمین دباری را یعنی :
 هیچکس را (تفسیر کبیر ج ۳۰ ص ۱۴۶) ؛ ابوالفتوح ، ج ۱۱ ،
 ص ۲۸۰

نوح گفت : کسی از آنان را بر روی زمین ، رها مکن چه اگر
 رها کنی همه بندگان ترا گمراه کنند ، و اگر فرزند آوند و کودکی زایند ،
 جز فاجر و کافر نباشد (ابوالفتوح : ج ۱۱ ص ۲۸۰)

اللہ تعالیٰ کے نام کے ساتھ ہی اس کا چلنا اور اس کا
 لنگر انداز ہونا ہے۔ بیشک میرا پروردگار غفور رحیم ہے۔

In the name of God be its sailing and its
 mooring. Behold ! My Lord is indeed, Forgiving,
 Merciful (11 : 41).

رَبِّ إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي وَإِنِّي وَعْدُكَ الْحَقُّ وَأَنْتَ أَحْكَمُ
 ۴۵۔ پروردگار من، بیگمان
 بصر من از اهل من امت و بیگمان
 وعدہ تو راست است و تو
 عادلترین حکم کنند گانی *
 الخکیمین ﴿۵﴾ (مورہ)

میرے پروردگار! میرا بیٹا بھی تو میری اہل سے ہے اور
 یقیناً تیرا وعدہ سچا ہے اور تو سب حاکموں سے بہتر حکم
 کرنے والا ہے۔

My Lord ! My son is of mine household,
 and behold, Thy promise is true, and Thou art
 the Most Just of Judges (11 : 45).

* (الت احکم العاکمین) ای : اعلم الحکام و اعدلہم (تکشاف
 زمخشری ج ۲ ص ۲۱۸)

۴۷- پروردگار من ! ہی

گمان من بتو پناہ می برم از
اینکہ چیزی را از تو بخواہم کہ
مرا بدان علمی نیست و اگر مرا
نیامری و بمن رحم نکنی از
زیانکاران باشم .

رَبِّ اِنِّیْ اَعُوْذُ بِكَ اَنْ اَسْئَلَکَ
مَا لَیْسَ لِیْ بِہٖ عِلْمٌ وَّلَا اَتَعْرِضُ
لِیْ وَرَحْمَتِیْ اَکْبَرُ مِنْ
الْخُسْرِیْنَ ﴿۴۷﴾

میرے پروردگار ! میں پناہ مانگتا ہوں تجھ سے کہ میں
سوال کروں تجھ سے ایسی چیز کا جس کا مجھے علم نہیں اور
اگر تو مجھے نہ بخشے اور مجھ پر رحم نہ کرے تو میں ہو
جاؤں گا زیان کار ۔

My Lord ! I seek refuge in Thee, lest I ask
of Thee aught whereof I have no knowledge.
Unless Thou forgive me, and have mercy upon
me, I shall be of those who are ruined (11 : 47).

۲۹- پروردگار من سرا بہ

جایگاہی با برکت فرود آر، و تو
بہترین فرود آورندگانی .

رَبِّ اَنْزِلْنِیْ مُنْزَلًا مُّبْرَكًا وَّ
اَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِیْنَ ﴿۲۹﴾

میرے رب ! آنا مجھے با برکت منزل پر اور تو ہی
سب سے بہتر اتارنے والا ہے ۔

My Lord ! Disembark me with a blessed
disembarking, for Thou are the Best of Dis-
embarkers (28 : 29).

دُعای حضرت صالح علیہ السلام

۳۹۔ پروردگار من! مرا در

آنجہ تکذیبم می کنند یاری ده .

رَبِّ انصُرْنِي بِمَا كَذَّبْتَنِي ﴿۳۹﴾

سورہ صافات ۳۹

اے رب! (اب) تو ہی میری مدد فرما کیونکہ انہوں
نے مجھے جھٹلا دیا ہے۔

My Lord ! Help me, for they accuse me of
imposture (23 : 39).

دُعای حضرت ابراہیم علیہ السلام

رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ
 أَنْبَأْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ رَبَّنَا
 لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا
 وَاعْرِضْنَا لِرَبَّنَا إِنَّكَ أَنْتَ
 الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ «السنحة»

۴- پروردگار ما، پر تو
 توکل کر دیم، و بسوی تو باز گشتیم،
 و باز گشت بسوی تو است .

۵- پروردگارا مسلط مکن
 بر ما کسانی را کہ کافر شدند ،
 و بیمارز ما را بیگمان تو عزیز
 حکمت آموزی .*

اے ہمارے رب! ہم نے تجھی پر بھروسہ کیا اور تیری
 طرف ہی رجوع کیا اور تیری طرف ہی ہمیں پلٹ کر آنا ہے
 اے ہمارے رب! ہمیں نہ بنا دے فتنہ کافروں کے لیے اور
 ہمیں بخش دے - اے ہمارے رب! بے شک تو ہی عزت والا
 (اور) حکمت والا ہے -

* (ربنا لا تجعلنا فتنه للذين كفروا) یعنی : ای : لا تسلط علينا
 اعداءنا فيظنوا انهم على الحق ، یعنی : پروردگارا دشمنان ما را بر ما
 مسلط مکن تا گمان برند کہ آنان برحق اند .

Our Lord ! In Thee do we trust unto thee do we turn repentant, and unto Thee is (our) journeying. Our Lord ! Expose us not for trial unto those who disbelieve, and forgive us, our Lord ! Behold, it is Thou who art the Mighty, the Wise (60 : 4-5).

۸۳- پروردگارا ! مرا
حکمتی به بخش و مرا به نیکان
در رسان .

۸۴- و مرا نام نیکو ده در
سیان آیندگان .

۸۵- و مرا از سیرات برندگان
بهشت پر نعمت قرار بده . *

۸۶- و یاسرز پدرم را ،
بیگمان او از گمراهان بود .

۸۷- و مرا رسوا مکن روزی
که (مردمان) برانگیخته شوند .

۸۸- روزی که مال و فرزند
(آدمی را) سود ندهد .

۸۹- مگر آنکس که دلی
پاک نزد خدا آورد .

رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا ذَا الْحِجْتَيْنِ
بِالظَّالِمِينَ ۝ وَاجْعَلْ لِي
لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ ۝
وَاجْعَلْنِي مِنْ دَرَجَةِ الْعَالِمِينَ
وَاعْفُ عَنِّي إِنَّكَ كَانَ مِّنَ
الصَّالِحِينَ ۝ وَلَا تُخْزِنِي يَوْمَ
يُبْعَثُونَ ۝ يَوْمَ لَا يُنْفَعُ مَالٌ
وَلَا بَنُونَ ۝ إِلَّا مَنْ آتَى اللَّهَ
بِقَلْبٍ سَلِيمٍ ۝ التمر...

اے میرے رب ! عطا فرما مجھے علم و عمل (میں کمال)
 اور ملا دے مجھے نیک بندوں کے ساتھ اور بنا دے میرے
 لیے سچی ناموری آئندہ آنے والوں میں اور بنا دے مجھے ان
 لوگوں سے جو نعمت والی جنت کے وارث ہیں۔ اور بخش دے
 میرے باپ کو وہ گمراہ لوگوں میں سے ہے۔ اور نہ شرمسار
 کرنا مجھے جس روز لوگ قبروں سے اٹھائے جائیں گے
 جس دن نہ مال کام آئے گا اور نہ بیٹے۔ مگر وہ شخص جو
 لے آیا اللہ تعالیٰ کے حضور قلب سلیم !

My Lord ! Bestow upon me wisdom, and
 join me to the righteous. And appoint for me
 a reputation for truth among posterity. And
 make me one of the heirs of the Garden of
 Delight. And pardon my father. Behold ! he
 has been one of the erring. And abase me not
 on the Day when they will be raised up, the
 Day when neither wealth nor sons shall avail,
 save unto him who cometh unto God with a
 whole heart (26 : 83-89).

* یکی از تفسیر ہابی کہہ برای ابن ابیہ شدہ ابن امت: مرا درحالی
 بعیران کہ استحقاق آرا داشته باشم کہ بہ بہشت پر نعمت تو در آیم .

۹۹- من بسوی پروردگارم

می روم ، زود باشد که مرا راه

نماید . *

إِنِّي ذَاهِبٌ إِلَى رَبِّي سَيِّدِي ۝

رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ ۝

(الغف ۳۰)

۱۰۰- پروردگار من ! مرا

فرزندی) ده از صالحان .

میں جا رہا ہوں اپنے رب کی طرف ، وہ میری رہنمائی فرمائے

گا میرے رب ! عطا فرما دے مجھے ایک نیک بیٹے ۔

میرے رب ! عطا فرما دے مجھے ایک نیک بیٹے پس ہم

نے مزید سنایا انہیں ایک حلیم فرزند کا ۔

* (انی ذاہب الی ربی) در تفسیر آن دو قول گفتند . یکی آنکہ :

من می روم یہ آجکا کہ دین پروردگارم آنجاست ، وہ اتفاق مفسران :

آن جا بگمہ شام و بیت المقدس بود . قول دیگر آنست کہ : انی ذاہب

بعبادت الی ربی یعنی : من یا پرستش و نیت و عمل خویش بسوی ،

خدای تعالیٰ می روم . (تفسیر امام فخر رازی ، ج ۲۶ ، ص ۱۵۰)

رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ
 السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿١٢٧﴾ رَبَّنَا
 وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَ
 مِنْ دُرِّينَا أُمَّةً مُسْلِمَةً
 لَكَ وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ
 عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ
 الرَّحِيمُ ﴿١٢٨﴾ رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ
 رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ
 آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ
 الْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ
 الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿١٢٩﴾

(البقرة ١٢)

۱۲۷- پروردگار ما، تواز
 ما بپذیر، براستی که توبی
 شنوای دانا.

۱۲۸- پروردگار ما، ما را
 از فرمانبرداران خود قرار بده.
 و از فرزندان ما، يك است
 فرمانبردار برای خود بساز و
 مواضع اعمال حج ما را بما بنما
 و توبه ما را بپذیر که بی گمان
 توبی توبه دهنده مهربان.*

۱۲۹- پروردگار ما، ببيان
 آنان پیامبری برانگیز از خودشان،
 تا آیات قرآنی بر آنان تلاوت کند و
 کتاب و حکمت را بآنها بیاموزد
 و آنها را پاک کند. براستی که
 تو عزیز حکیم هستی.*

* مسلم بدین معنی است که خود را تسلیم اراده الهی کند یا از
 بندگی و پروری شیطان خود را حفظ کند. یا در صلح و صفا قدم نهاده
 باشد. در هر حال پیروان ابراهیم (ع) و محمد (ص) را باین نام
 خوانده‌اند.

* اشاره به پیامبری محمد (ص) است که نه تنها کتاب مقدس و
 حکمت را برای مردم آورد، بلکه آنها را از بدیها پاک کرد.

اے ہمارے پروردگار قبول فرما ہم سے (یہ عمل) بیشک تو ہی سب کچھ سننے والا سب کچھ جاننے والا ہے۔ اے ہمارے رب! بنا دے ہم کو فرمانبردار اپنا اور ہماری اولاد سے بھی ایک ایسی جماعت پیدا کرنا جو تیری فرمانبردار ہو اور بتا دے ہمیں ہماری عبادت کے طریقے اور توجہ فرما ہم پر (اپنی رحمت سے) بے شک تو ہی بہت توبہ قبول کرنے والا ہمیشہ رحم فرمانے والا ہے۔ اے ہمارے رب! بھیج ان میں ایک برگزیدہ رسول انہیں میں سے تاکہ پڑھ کر سنائے انہیں تیری آیتیں اور سکھائے انہیں یہ کتاب اور دانائی کی باتیں اور پاک صاف کر دے انہیں بے شک تو ہی بہت زبردست (اور) حکمت والا ہے۔

Our Lord ! Accept this (service) from us. Behold, it is Thou Who art the Hearer, the Knower. Our Lord ! Cause us to be resigned unto Thee, and of our seed (create) a nation resigned unto Thee, and show us our holy rites and relent toward us. Behold, it is Thou Who art the Relenting, the Merciful, Our Lord ! And raise up for them a messenger from among themselves who shall recite unto them. Thy revelations, and shall teach them the Scripture and the wisdom, and shall purify them. Behold, it is Thou Who art the Mighty, the Wise (2 : 127-129).

رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا
 وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ
 آمَنَ مِنْهُمْ يَأْتِ اللَّهُ بِالْيَوْمِ
 الْآخِرِ
 البقرة ۲

۱۳۶- پروردگارا اینجا را يك
 شهر امن قرار بده و مردم آنرا از
 میوهها ، روزی ده ، مردمی كه
 بخدا و بروز و اهلین ایمان
 دارند.*

اے میرے رب! بنا دے اس شہر کو امن والا اور
 روزی دے اس کے باشندوں کو طرح طرح کے پھلوں سے
 (یعنی) جو ان میں سے ایمان لائے اللہ پر اور روز قیامت پر۔

My Lord! Make this (Mecca) a secure
 region, and provide for its people fruits, for
 such of them as believe in God and the Last
 Day (2 : 126).

* وقتیکہ ابراہیم ، ہاجر و اسماعیل را نزدیک خانہ کعبہ کہ پیش
 از آن بنا شدہ بود ، گذاشت ، بایہ ساختمان شہری، بنادہ شد . از مکہ در
 جاہای دیگر قرآن (سورہ ۱۴ آیہ ۳۵ و سورہ ۹ آیہ های ۱-۲) بنام
 «هذا البلد» : (این شہر) یاد شدہ و در سورہ ۳ آیہ ۹۵ بنام مکہ یاد
 شدہ است ، این شہر در جانی بوجود آمدہ بود کہ محصول نداشت و
 چنانکہ در سورہ ۱۴ آیہ ۳۷ آمدہ از ضروریات زندگی بی ہرہ و عاری
 بودہ ، ابراہیم دعا کرد کہ خدا باین سرزمین برکتی عطا کند و دعایش
 مقبول افتاد . چنانکہ در سورہ ۲۸ آیہ ۵۷ آمدہ است .

۳۵- پروردگار من! این شهر را ایمن کن و مرا و پسران مرا دور دار از اینکه بتان را بپرستیم .

۳۶- پروردگار من! بی گمان آنها بسیاری از مردم را گمراه کردند . پس هرکس از من پیروی کرد بی گمان او از من است و آنکس که بمن نافرمان شد، بیقین تو آمرزگار مسهربانی .

۳۷- پروردگار ما! بی گمان من جای دادم از فرزندانم به وادایی بی کشت ، نزدیک خانه با حرمت تو ، پروردگار ما تاپیای دارند نماز را . پس دلپایانی از مردم را چنان کن که به سوی ایشان بگردانند و آنها را از میوهها روزی برسان . باشد که ایشان شکر گزارند .

۳۸- پروردگار ما بی گمان تو آنچه را (ما) پنهان می داریم و آنچه را آشکار می کنیم می دانی و چیزی بر خدا پنهان نمی ماند در زمین و نه در آسمان .

رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا
اجْتَنِبِي رَبِّيَ أَنْ تَعْبُدِيَ الْكُفَّارَ
رَبِّ إِنَّهُنَّ أَضْلَلْنَ كَثِيرًا

مِنَ النَّاسِ فَمَنْ يَتَّبِعِ يَلْتَمِسْهُ
وَمَنْ عَصَانِي فَإِنَّكَ
غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١٠٠﴾ رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ
مِنْ دَرِّيئِي بَوَادِئَ غَيْرِي
وَرَبِّ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا
لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً
مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَى الْبَيْتِ
وَأَرِزْهُمْ مِنْ الشَّرِّ لَعَلَّهُمْ
يَشْكُرُونَ ﴿١٠١﴾ رَبَّنَا إِنَّكَ تَعْلَمُ
مَا نُخْفِي وَمَا نُعْلِنُ وَمَا يَخْفَى
عَلَى اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ فِي الْأَرْضِ
وَلَا فِي السَّمَاءِ ﴿١٠٢﴾

الْحَمْدُ لِلَّهِ

الَّذِي وَهَبَ لِي عَلَى الْكِبَرِ
إِسْمِعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبِّي
لَسَمِيعُ الدُّعَاءِ ﴿١٠٦﴾ اجْعَلْنِي
مُفِيماً الصَّلَاةَ وَمِن ذُرِّيَّتِي
رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءَ ﴿١٠٧﴾ رَبَّنَا
اعْفُ عَنِّي وَلِرِوَالِدَيْكَ
يَوْمَ يُقْرَأُ الْحِسَابُ ﴿١٠٨﴾

(ابن ہشیر ۳)

۳۹- سپاس خدای را کہ
در پیری اسمعیل و اسحاق را
بمن بخشید ، بی گمان پروردگار
من البتہ شنونده دعاست .

۴۰- پروردگار من ! مرا
بر پادارندہ نماز قرار بده و از
فرزندان من . پروردگار ما !
ودعای مرا بپذیر .

۴۱- پروردگار ما ! مرا و
پدر و مادر مرا و مؤمنان را
بیامر : روزی کہ حساب برپا
شود .

اے میرے رب! بنا دے اس شہر کو امن والا اور بچالے
مجھے اور میرے بچوں کو کہ ہم ہو جا کرنے لگیں بتوں کی۔ اے
میرے پروردگار! ان بتوں نے تو گمراہ کر دیا بہت سے لوگوں
کو پس جو کوئی میرے پیچھے چلا تو وہ میرا ہوگا۔ اور جس
نے میری نافرمانی کی (تو اس کا معاملہ تیرے سپرد ہے) بیشک
تو غفور رحیم ہے۔ اے ہمارے رب! میں نے بسا دیا ہے
اپنی کچھ اولاد کو اس وادی میں جس میں کوئی کھیتی
باڑی نہیں تیرے حرمت والے گھر کے ہڑوس میں۔ اے
ہمارے رب! یہ اس لیے تاکہ وہ قائم کریں نماز پس کر دے
لوگوں کے دلوں کو کہ وہ شوق و محبت سے ان کی طرف

مائل ہوں اور انہیں رزق دے پھلوں سے تاکہ وہ (تیرا) شکر ادا کریں۔ اے ہمارے رب! یقیناً تو جانتا ہے جو ہم (دل میں) چھپائے ہوئے ہیں اور جو ہم ظاہر کرتے ہیں اور کوئی چیز مخفی نہیں ہے اللہ تعالیٰ پر نہ زمین میں اور نہ آسمان میں۔ سب تعریفیں اللہ تعالیٰ کے لیے جس نے عطا فرمائے مجھے بڑھاپے میں اسمعیل اور اسحق (جیسے فرزند) بلاشبہ میرا رب بہت سننے والا ہے دعاؤں کا۔ میرے رب! بنا دے مجھے نماز کو قائم کرنے والا اور میری اولاد کو بھی۔ اے ہمارے رب! میری یہ التجا ضرور قبول فرما۔ اے ہمارے رب! بخش دے مجھے اور میرے ماں باپ کو اور سب مومنوں کو جس دن حساب قائم ہوگا۔

My Lord! Make this region secure, and preserve me and my children from worshipping idols. My Lord! Behold, many of mankind have they led astray. Therefore, whosoever shall follow me, he, indeed, shall be of me. And whosoever shall disobey me, then, indeed.

Thou art Forgiving, Merciful. Our Lord ! Behold, I have caused them of mine off-spring to settle in an uncultivable valley nigh unto Thy Holy House so that, our Lord, they might be constant in offering Salāt. Therefore, make Thou the hearts of some men to yearn toward them, and provide Thou them with fruits, that happily they may be thankful. Our Lord ! Behold, Thou knowest that which we conceal and that which we reveal. Naught is hidden from God either in the earth or in heaven. Praise be to God, Who hath vouchsafed me in (mine) old age Ishmael and Isaac ! Behold, my Lord is, indeed, the Hearer of prayer. My Lord ! Make me a strict observer of Salās ; and some of my posterity also. Our Lord ! And accept my Prayer, Our Lord, Forgive me and my parents, and also believers on the Day whereon the account shall be taken (14 : 35-41).

دُعای حضرت لوط علیہ السلام

۲۶- بہ یقین من بہ (راہ)

پروردگارم میروم و بیگمان ہمو
عزیز حکیم است۔

إِنِّي مُهَاجِرٌ إِلَىٰ رَبِّي لَأَسْتَعِذَّ

هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿۲۶﴾
"المکوتہ ۲۶"

میں ہجرت کرنے والا ہوں اپنے رب کی طرف بے شک
وہی سب پر غالب بڑا دانا ہے۔

Behold, I am a fugitive unto my Lord.
Behold, it is He Who is the Mighty, the Wise
(29 : 26).

۱۶۹- پروردگار من! مرا

و خانوادہ مرا از (وبال) آنچه
آنها انجام می دهند نجات دہ۔

رَبِّ نَجِّنِي وَأَهْلِي مِمَّا

يَعْمَلُونَ ﴿۱۶۹﴾
"الشعراء ۱۶۹"

میرے مالک! نجات دے مجھے اور میرے اہل و عیال
کو اس (کی شامت) سے جو وہ کرتے ہیں۔

My Lord ! Deliver me and mine house-
hold from what they do (26 : 169).

۳۔ ای پروردگار من !
مرا ہر گروہ تباہکاران یاری دہ .

رَبِّ انصُرْنِي عَلَى الْقَوْمِ الْفٰسِدِيْنَ
المکوت ۱۲۹

میرے مالک ! مدد فرما میری ان فسادی لوگوں کے
مقابلہ میں ۔

My Lord ! Help me against the corrupt
people (29 : 30).

دُعای حضرت ایوب علیہ السلام

آلِیُّ مَتَّعِنِ الضُّرَّ وَأَنْتَ
 ۸۴۔ پروردگارا مرا گزندِ رسید و تو
 بےخشاينده ترين بےخشايندگانی .
 أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ ﴿۲۱﴾

مجھے پہنچی ہے . سخت تکلیف اور تو ارحم الراحمین ہے۔

My Lord ! Behold, evil hath afflicted me, but Thou art the most Merciful of those who show mercy (21 : 83).

آلِیُّ مَتَّعِنِ الشَّيْطَانَ يُنْصِبِ
 ۴۱۔ شیطان بمن رنج و عذاب رسائید . *
 وَعَذَابٍ ﴿۲۰﴾

(الہی) پہنچائی ہے مجھے شیطان نے بہت تکلیف اور دکھ۔

My Lord ! Behold, Satan hath afflicted me with distress and torment ! (38 : 41).

* مقصود از رنجوری و عذاب : رنجوری تن بود کہ بہ «ایوب» رسائید و عذابی بود کہ باہل و مال او رسید . (جمع البیان ، ج ۸ ص ۴۷۸)

دُعای حضرت یوسف علیہ السلام

۳۳- ای پروردگار من ،

زندادن مرا خوش تر است از آنچه
مرا بدان می خوانند . و اگر تو
مکر آنان را از من نگردانی بسوی
آنها میل کنم و از نادانان باشم .

رَبِّ السَّجْنِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا
يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ وَلَا تَصْرِفْ
عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبَبَ الْيَهُونَ
وَإِنِّي مِنَ الْجَاهِلِينَ ﴿٣٣﴾

اے میرے پروردگار ! قید خانہ

کی صعوبتیں مجھے زیادہ پسند ہیں اس (گناہ) سے جس کی
طرف یہ مجھے بلاتی ہیں اور اگر تو (اپنی عنایت سے) نہ دور
کرے مجھ سے ان کے مکر کو تو میں مائل ہو جاؤں گا
ان کی طرف اور بن جاؤں گا نادانوں سے ۔

My Lord ! Prison is dearer unto me than
that unto which they invite me, and if Thou
turn not away their snares from me, I shall
incline unto them, and be one of the foolish
(12 : 33).

۱۰۱- ای پروردگار من ہی

گمان ، تو مرا پادشاہی دادی و
مرا تعبیر خوابها بیاموختی ،
(ای) آفرید گار آسمانها و زمین ،
تو یاور منی در دنیا و آخرت مرا
فرمانبردار بمران و بہ نیکو کارانم
ملحق کن ۔

رَبِّ تَدَاتِنِي مِنَ الْمَلِكِ وَ
عَلَّمْتَنِي مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ
فَأَطِرُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنْتَ
وَلِيٌّ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ تَوَفَّنِي
مُسْلِمًا وَالْحَقِّي بِالصَّالِحِينَ ﴿١٠١﴾

اے میرے رب! عطا فرمایا تو نے مجھے یہ ملک نیز تو نے
 سکھایا مجھے باتوں کے انجام کا علم اے بنانے والے آسمانوں
 اور زمین کے! تو ہی میرا کار ساز ہے دنیا میں اور آخرت
 میں۔ مجھے وفات دے در آنحالیکہ میں مسلمان ہوں اور ملا
 دے مجھے نیک بندوں کے ساتھ۔

My Lord, Thou hast given me some
 dominion, and hast taught me something of the
 interpretation of events (seen in dreams); O
 Originator of the heavens and the earth, Thou
 art my Guardian in the world and the Hereafter
 Cause me to die a Muslim, and join me with
 the righteous (12 : 101).

دُعای حضرت شعیب علیہ السلام

۸۹۔ پروردگار ما! میان ما و قوم
ما بحق حکم کن و تو بہترین
حکم کنندگانی .

رَبَّنَا اَفْحَرْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا
بِالْحَقِّ وَاَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ ﴿۸۹﴾
«الاعراف»

اے ہمارے رب فیصلہ فرما دے ہمارے درمیان اور ہماری
قوم کے درمیان حق کے ساتھ اور تو سب سے بہتر فیصلہ
فرمانے والا ہے ۔

Our Lord ! Decide between us and our folk
with truth, for, Thou art the Best of those who
decide (7 : 89).

دُعای حضرت موسیٰ علیہ السلام

رَبِّ اِنِّی ظَلَمْتُ نَفْسِیْ ذَلِّغْفِرْ
 ۱۶- پروردگار من! من کہ
 بر خود ستم کردم پس مرا
 ببامرز! (التقص ۳۰)
 میرے پروردگار! میں نے ظلم کیا اپنے آپ پر پس بخش
 دے۔

My Lord, Behold, I have wronged my soul,
 therefore forgive me (28 : 16).

رَبِّ بِمَا اَنْعَمْتَ عَلَیَّ قَلَنْ
 ۱۷- پروردگار من بہ (شکرانہ)
 نعمتی کہ بن دادی من هرگز
 یاری کنندہ گناہکاران نخواہم شد۔
 (التقص ۳۰)

میرے رب! مجھے ان انعامات کی قسم جو تو نے مجھ
 پر فرمائے اب میں برگز مجرموں کا مددگار نہیں بنوں گا۔

My Lord, Since Thon hast favoured me, I
 shall never-more be a supporter of the wicked
 (28 : 17).

۳۱- پروردگار من! مرا از گروہ

ستمکاران برهان .

رَبِّ فَعَنِّي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿۲۱﴾

(القصص: ۲۱)

میرے رب! بچا لے مجھے ظلم و ستم کرنے والوں سے ۔

My Lord, Deliver me from the oppressive people (28 : 21).

۳۴- پروردگار من! من بہ نعمتی

کہ برائیم فرورستی نیاز دارم .*

رَبِّ اِنِّی لِمَا اَنْزَلْتَ اِلَیَّ مِنْ

خَیْرٍ فَقِیْرٌ ﴿۲۴﴾ (القصص: ۲۴)

میرے مالک! واقعی میں اس خیر و برکت کا جو تو
نے میری طرف اتاری ہے محتاج ہوں ۔

My Lord, Behold. I stand in need of what-
ever good Thou sendest down to me (28 : 24).

مفسران گفتند : در این وقت از خدای تعالی نان خویش خواست
کہ محتاج بہ آن بود امام باقر (ع) گفت : واللہ کہ این نکفت مگر
وہنی کہ بہ نیم خرما محتاج بود . (طبری ، ج ۲۰ ، ص ۵۹ ،
ابوالفتوح ، ج ۸ ، ص ۴۵۰)

۱۴۳- پاکى تراست، بسوى تو
باز گشتم و من نخستين
گروند گانم.*

سُبْحَانَكَ بُدْتُ إِلَيْكَ وَأَنَا
أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ ﴿۱۴۳﴾

پاک ہے تو (ہر نقص سے) میں توبہ کرتا ہوں تیری
جناب میں اور میں سب سے پہلا ایمان لانے والا ہوں۔

Glory be to Thee ! Unto Thee do I turn
repentant, and I am the first of true believers
(7 : 143).

* در تفسیر (کشاف) آمدہ است کہ موسى این سخن را از تمام
جہات می شنید نہ از یک جہت (تفسیر کشاف، ج ۲، ص ۱۱۹،
چاپ مصر)

رَبِّ انشَخِ لِي صَدْرِي كَوَيْتِر
 لِي آمُرِي ۞ وَاخْلَلْ عَقْدًا مِّنْ
 لِّسَانِي ۞ يَفْقَهُوا قَوْلِي ۞ وَاجْعَلْ
 لِي وَزِيرًا مِّنْ اَهْلِي ۞ هُوَرُونَ
 اَجْحِي ۞ اَشْدُّ دَهْبَةً اَنْسَرِي ۞ وَ
 اَشْرَكُهُ فِيْ اَمْرِي ۞ كَيْ تُسَبِّحَكَ
 كَيْتِرًا ۞ وَتَذْكُرَكَ كَيْتِرًا ۞ اِنَّكَ
 كَذَّبْتَ بِتَابِصِيْرًا ۞ ﴿٢٥﴾

۲۵- پروردگار من ! سینہ
 مرا برای من فراخ گردان .

۲۶- و کار من بر من آسان
 کن . ۲۷- و گره از زبان من
 بکشای ۲۸- (تا) سخن مرا در
 یابند ۲۹- و از کسانم مرا وزیری
 قرار بده . ۳۰- ہارون برادرم را .
 ۳۱- و پشت من بدو استوار
 کن . ۳۲- و او را در کار من انباز

ساز . ۳۳- تا ترا بسیار تسبیح
 گویم . ۳۴- و ترا بسیار یاد کنیم .
 ۳۵- بینیابی . ۱۵۱- پروردگار من ، من
 و برادرم را بیامرز . و ما را
 در رحمت خود درآر ، و تو بخشندہ
 ترین بخشندگانی .

رَبِّ اغْفِرْ لِيْ وَلِاٰخِيْ وَادْخِلْنَا
 فِيْ رَحْمَتِكَ ۞ وَ اَنْتَ اَرْحَمُ
 الرَّحِيْمِيْنَ ﴿٢٦﴾ (الاعراف)

اے میرے پروردگار ! کشادہ فرما دے میرے لیے میرا
 سینہ اور آسان فرما دے میرا یہ (کھٹن) کام اور کھول دے
 گره میری زبان کی تاکہ اچھی طرح سمجھ سکیں وہ لوگ
 میری بات اور مقرر فرما میرا وزیر میرے خاندان سے یعنی

بارون کو جو میرا بھائی ہے مضبوط فرما دے اس سے میری
 کمر اور شریک کر دے اسے میری (اس) مہم میں تاکہ ہم
 دونوں کثرت سے تیری پاکی بیان کریں اور ہم کثرت سے
 تیرا ذکر کریں۔ بے شک تو ہمارے (ظاہر و باطن کو) خوب
 دیکھنے والا ہے۔

میرے رب! بخش دے مجھے اور میرے بھائی کو اور
 داخل کر ہم کو اپنی رحمت میں اور تو زیادہ رحم کرنے
 والا ہے تمام رحم کرنے والوں سے۔

My Lord! Enlarge my breast for me.
 Make my task easy for me. Loose a knot from
 my tongue, that they may understand my speech.
 Appoint for me a minister from my folk, Aaron
 my brother. Gird up my loins by him. Make
 him my companion in my task, that we may
 glorify Thee much, and remember Thee much.
 Behold, it is Thou Who art ever seeing us
 (20 : 25-35).

My Lord! Forgive me and my brother.
 Receive us into Thy mercy, for Thou art the
 Most Merciful of those who show mercy (7 :
 151).

رَبِّ اَرِنِي اَنْظُرْ اِلَيْكَ
 «الاعتراف»
 ۱۴۳- پروردگار من! (خویش را)
 بمن بنمائی کہ بتو ہنگرم .

اے میرے رب! مجھے دیکھنے کی قوت دے تاکہ میں
 تیری طرف دیکھ سکوں۔

My Lord ! Show me (Thy Self) that I may
 behold Thee (7 : 143).

رَبَّنَا اِنَّكَ اَنْتَ فِرْعَوْنُ وَمَلَاةُ
 زَيْنَتِهٖ وَاَمْوَالُهَا فِي الْحَبِيبَةِ الدُّنْيَا
 رَبَّنَا لِيُضِلُّوْا عَن سَبِيْلِكَ رَبَّنَا
 اَطْمِسْ عَلٰى اَمْوَالِهِمْ وَاَشْدُدْ
 عَلٰى قُلُوْبِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُوْا حَتّٰى
 يَرَوْا الْعَذَابَ الْاَلِيمَ ﴿١٠﴾
 آئیس ۱۰

۸۸- پروردگار ما! بیگمان تو
 بہ فرعون و سران قوم او در
 زندگی دنیا زینت و اموال دادہ ای۔
 پروردگار ما! تا گمراہ کنند
 (مگرم را) از راہ تو۔ پروردگار
 ما، اموالشان را نابود کن و
 بردلہایشان سخت گیر، کہ
 ایمان نیاورند تا آن عذاب دردناک
 را بہ بینند۔

ہمارے پروردگار! تو نے فرعون اور اس کے
 سرداروں کو سامان آرائش اور مال و دولت دنیوی زندگی میں
 اے ہمارے مولا! کیا اس لیے کہ وہ گمراہ کرتے پھرین

(لوگوں کو) تیری راہ سے - اے ہمارے رب !
 برباد کرے ان کے مالوں کو اور سخت کر دے ان کے
 دلوں کو تاکہ وہ نہ ایمان لے آئیں جب تک نہ دیکھ لیں
 دردناک عذاب کو۔

Our Lord! Behold, Thou hast given Pharaoh and his chiefs splendour and riches in worldly life, our Lord, that they may seduce people from Thy way. Our Lord, confound their riches and harden their hearts, for they will believe not until they see the tormenting punishment (10 : 88).

۱۵۵۔ ای پروردگار من! اگر می
 خواستی آنها را و مرا پیش از
 این هلاک می کردی . آیا ما را
 بدآنچه کم خردان ، کردند
 هلاک می کنی ؟ این ، جز امتحان
 تو نیست ، هر که را خواهی
 بدان گمراه می کنی و هر که را
 خواهی راه می نمایی . تو یاور
 مایی ، پس ما را بیمارز و بما رحم
 کن و تونیکوترین آمرزدگانی .

رَبِّ بَوَّشْتْ أَهْلَكْتُمْ تَبْنَ
 قَبْلُ وَإِنِّي أَتَهْلِكُنَا بِمَا
 فَعَلَ السُّفَهَاءُ مِنَّا إِنَّ هُوَ
 إِلَافَتُنكَ تُضِلُّ بِهِمَا مَن
 تَشَاءُ وَتَهْدِي مَن تَشَاءُ
 أَنْتَ وَلِيُّنَا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا
 وَأَنْتَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ ۝

اے میرے رب ! اگر تو چاہتا تو ہلاک کر دیتا انہیں
 اس سے پہلے اور مجھے بھی - کیا تو ہلاک کرتا ہے ہمیں
 بوجہ اس (غلطی) کے جو کی (چند) احمقوں نے ہم سے نہیں
 ہے یہ مگر تیری آزمائش تو گمراہ کرتا ہے اس سے جس کو
 چاہتا ہے اور ہدایت دیتا ہے جسے چاہتا ہے تو ہی بہارا کار
 فرما ہے بخش دے ہم کو اور رحم فرما ہم پر اور تو سب
 سے بہتر بخشنے والا ہے -

۱۵۶- وبراى ما ، درابن
 دنیا نیکی بنویس ودر آخرت (نیز)
 بیگمان ما بسوی تو باز گشتیم .

رَأَيْتُمْ لَنَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا
 حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ إِنَّا
 هُدُنَا إِلَيْكَ (الاعراف)

اور لکھ دے ہمارے لیے اس دنیا میں خیر و برکت اور
 آخرت میں بھی بے شک ہم نے رجوع کیا ہے تیری طرف -

My Lord! If Thou hadst willed Thou hadst
 destroyed them ere this and me also. Wilt
 Thou destroy us for that which the foolish
 amongst us have done? It is naught but Thy
 trial whereby Thou wilt mislead whom Thou
 wilt and guide whom Thou wilt. Thou art our
 Guardian, therefore forgive us, and have mercy
 upon us, for Thou art the Best of those who
 forgive, and write down for us that which is
 good in this world. as well as in the Hereafter.
 Behold, Unto Thee we are directed (7 : 155-156).

۶۷۔ من بخدا پناہ میبرم کہ

از (جملہ) نادانان باشم .

أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ أَكُونَ مِنَ

الْجَاهِلِينَ ﴿البقرة﴾

پناہ مانگتا ہوں خدا سے کہ میں شامل ہو جاؤں جاہل

(کے گروہ) میں۔

I seek refuge in God lest I should be of the foolish (2 : 67). *

۲۵۔ ای پروردگار من ،

من جز بر خود و برادرم

تسلطی ندارم پس تو میان ما و

میان گروہ تبہکاران جدائی

بیفکن *

رَبِّ إِنِّي لَا أَمْلِكُ إِلَّا نَفْسِي وَ

أَخِي فَأَفْرُقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ

الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ ﴿السجدة﴾

اے میرے رب ! میں مالک نہیں ہوں بجز اپنی ذات کے

اور اپنے بھائی کے پس جدائی ڈال دے ہمارے درمیان اور اس

نافرمان قوم کے درمیان ۔

My Lord ! Behold, I have control over none save myself and my brother, therefore, do Thou distinguish between us and the wicked people (5 : 25).

* (افرق بیننا) را طبری بہ جدا کن میان ما) وکاشنی بہ

فیصل کن) و مترجم قرآن صحاصم الملک بہ (جدائی

انداز) ترجمہ کردہ اند .

دُعای اصحاب حضرت موسیٰ (ع)

۸۵۔ ما بر خدا توکل کردیم،
برورد کار ما! ما را فتنہ گروہ
ستمکاران قرار مده . *

۸۶۔ وما را برحمت خود
از گروہ نا باوران رهایی ده .

عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا
فِتْنَةً لِّلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿۸۵﴾
نَجِّنَا بِرَحْمَتِكَ مِنَ الْقَوْمِ
الْكٰفِرِينَ ﴿۸۶﴾ (یونس: ۱۱)

اللہ تعالیٰ پر ہی ہم نے بھروسہ کیا ہے۔ اے ہمارے
رب! نہ بنا ہمیں فتنہ (کا موجب) ظالم قوم کے لیے اور
نجات دے ہمیں اپنی رحمت سے۔

In God do we put trust. Our Lord! Ex-
pose us not for trial to the evil-doing folk, and
through Thy mercy deliver us from the dis-
believing folk (10 : 85-86).

* (ربنا لا تجعلنا فتنۃ لِّلقوم الظالمین) یعنی ایشانرا تطہیر مکن ویرما
مساط مگردان نا گمان ابرند ازما بہ ترند کہہ سرکشی خود را زیاد کنند
اکشف الامرار ج ۴ ، ص ۳۲۳)

رَبَّنَا اَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَتَوَقُّنَا
 مُسْلِمِينَ ﴿۷﴾ «اعزان»
 ۱۳۶- پروردگار ما! برماشکیبایی
 فروریز و ما را فرمان بردار از
 دنیا ببر .

اے ہمارے رب ! انڈیل دے ہم پر صبر اور وفات دے
 ہمیں اس حال میں کہ ہم مسلمان ہوں ۔

Our Lord ! Pour out our patience on us,
 and cause us to die Muslims (7 : 126).

دُعای حضرت اسیہ مہر فرعون

۱۱- پروردگار من ، مرا

نزد خود در بہشت خانہی بساز،

ومرا از فرعون و کردار او رهایی

بخش ، و از گروہ ستمکاران

رہائیم دہ ،

رَبِّ اِنِّى لِيَعْنَدَكَ بَيْتًا فِى

الْجَنَّةِ وَتَجِّنِّى مِنْ فِرْعَوْنَ وَ

عَمَلِهٖ وَتَجِّنِّى مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِيْنَ ۝

(التحریر: ۱۱۱)

اے میرے رب! بنا دے میرے لیے اپنے پاس ایک گھر

جنت میں اور بچالے مجھے فرعون سے اور اس کے (کافرانہ)

عمل سے اور مجھے اس ستم پیشہ قوم سے نجات دے۔

My Lord ! Build me a home near Thee in Paradise, and delives me from Pharaoh and his work, and deliver me from the wrong-doing folk (66 : 11).

دُعای مسلمانان حضرت طالوت

۲۵۰- پروردگار ما! شکیبائی را

بر ما فروریز و گنہای ما را استوار

کن و ما را بر گروه کافران پیروزی

بخش.*

رَبَّنَا آفِرْغْ عَلَيْنَا صَبْرًا

يَدَّتْ أقدَامَنَا وَأَنْصُرْنَا عَلَى

الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿البقرة: ۲۵۰﴾

اے ہمارے رب! اتار ہم پر صبر اور جائے رکھ ہمارے

قدموں کو اور فتح دے ہمیں قوم کفار پر۔

Our Lord! Pour out steadfastness upon us. Set our Feet Firm, and give us victory over the disbelieving folk (2 : 250).

* طالوت شاہ بنی اسرائیل بہ جبران شکستی کہ از جالوت جبار
فلسطینی خوردہ بود، لشکری فراہم آورد و بجنگ او رفت۔ داود ابن

جبار فلسطینی را کشت۔ در قرآن کریم از ابن شخص و لشکریانش
بشکل رعب آوری یاد شدہ است۔ ابن توفیق دست نداد مگر بدعای

سپاہیان مومن بنی اسرائیل۔ ۸۶

دُعای حضرت سلیمان علیہ السلام

۱۹۔ پروردگار من مرا الھام دے کہ بنعمت تو شکر کنم کہ بر من وبر پدر ومادر من بخشایش کردی ومرا توفیق دے تا کار شایستہ کنم کہ آنرا بیسندی ومرا برحمت خود در میان بندگان نیکوکار خویش در آر .

رَبِّ اَوْزِعْنِي اَنْ اَشْكُرَ
نِعْمَتَكَ الَّتِي اَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَ
عَلَى وَالِدَيَّ وَاَنْ اَعْمَلَ صَالِحًا
تَرْضَاهُ وَاَدْخُلَنِي بِرَحْمَتِكَ
فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ ﴿۱۹﴾
لاشمل ۱۲۷

میرے مالک ! مجھے توفیق دے تاکہ میں شکر ادا کروں۔ تیری نعمت (عظمیٰ) کا جو تو نے مجھ پر فرمائی اور میرے والدین پر نیز (مجھے توفیق دے کہ) میں وہ نیک کام کروں جسے تو پسند فرمائے اور شامل کر لے مجھے اپنی رحمت کے باعث اپنے نیک بندوں میں۔

My Lord, Stir me up that may be I thankful for Thy favour wherewith Thou hast favoured me and my parents, and that I may do righteousness that shall be pleasing to Thee, and include me through Thy mercy among Thy righteous bondmen (27 : 19).

۳۵- پروردگار من! مرا بیامرز
و مرا ملکی بخش کہ پس از من
دیگری شایسته آن نباشد. بیگمان
تو بخشندهی. *

رَبِّ اغْفِرْ لِي وَهَبْ لِي مُلْكًا
لَا يَمْتَلِكُنِي أَحَدٌ مِّنْ بَعْدِي
إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ ﴿٣٨﴾
(من ۳۸)

میرے رب! مجھے معاف فرما دے اور عطا فرما مجھے
ایسی حکومت جو کسی کو میسر نہ ہو میرے بعد بیشک تو
ہی بے انداز عطا کرنے والا ہے۔

My Lord, Pardon me and bestow upon me
a sovereignty such as shall not become anyone
after me. Be hold, It is Thou who art the Most
Generous Bestower (38 : 35).

* بعض از مفسران نوشته اند کہ مقصود از جملہ: "مرا ملکی دہ کہ
بس از من کس را نباشد." تسخیر بادشاہ و پرنندگان وغیرہ است کہ
سایمان از خدایتعالی درخواست کردند تا آنہارا آیت نبوت و معجزہ
پہنچان برایش قرار دہد. (تفسیر امام فخر، ج ۲۶، ص ۲۰۹ : و الفتوح
ج ۱۹، ص ۳۷۲)

دُعای حضرت بلقیس ملکہ سبا

۴۴- پروردگار من ، من
 به خود ستم کردم (کہ آنتاب
 پرستیدم) و (اکنون) با سلیمان بہ
 خداوند پروردگار جهانیان گردن
 نھادہ ام .

رَبِّ اِنِّی ظَلَمْتُ نَفْسِی وَ
 اَسْلَمْتُ مَعَ سُلَیْمٰنَ بِاللّٰهِ رَبِّ
 الْعٰلَمِیْنَ ﴿۴۴﴾

اے میرے رب ! میں (آج تک) ظلم ڈھاتی رہی اپنی
 جان پر اور (اب) ایمان لائی ہوں ۔ سلیمان کے ساتھ اللہ پر جو
 سارے جہانوں کا پروردگار ہے ۔

My Lord ! Behold, I have wronged my
 soul, and I surrender with Solomon unto God,
 Lord of the worlds (27 : 44).

* بلقیس ملکہ سبا (قسمتی از سر زمین فعلی یمن کہ در ۱۳ کیلو
 متری شرق شہر صنعاً پایتخت فعلی یمن شمالی قرار داشتہ است)
 بر کشوری آباد حکومت میکرد کہ مردم آن بہ پرستش خورشید
 میپرداختند و در مقابل او سجدہ میکردند و از آفریدگار عالم جاہلانہ
 بیخبر بودند و بزرگان قوم نیز صلاحشان و دوام ریاستشان
 را بر کمک بہ ادامہ ندانی خلق و پیوستہ بودن استضعاف آنها میدیدند،
 عالمانہ آنها را باین امر تشویق و تیز شریعت عمل المہانہشان میشدند،
 سلیمان بغمیر تصمیم گرفت آنها را دعوت بخدا پرستی و ارشاد معنوی
 نماید و تہدید کرد کہ اگر تسلیم بہ امر و پیام خداوند و پذیرفتن
 توحید نشوند و فقط پروردگار یکتای توانا را نپرستند بدانسوی لشکر
 کشی خواهد کرد بلکہ آنچہ پس از شہوت با در بازیان تصمیم گرفت
 ہمراہ بزرگان قوم بسوی سلیمان برود و تسلیم امر او شود

دُعای حضرت یونس علیہ السلام

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ ﴿۱۰۱﴾
 ۸۷- معبودی جز تو نیست،
 پاکی تراست بی گمان من از
 ستمکارانم .

معبود نہیں سوا تیرے پاک ہے تو بیشک میں ہی
 تصور واروں سے ہوں

There is no god save Thee. Glory be to
 Thee ! Behold, I am a wrong-doer (21 : 87).

* داستان (صاحب الحوت) یا یونس (ع) در مقدمہ حدیث سورہ
 آورده شده است. ذالنون را مترجمان طبری به خداوند مہمی و مہیدی
 به مرد مہمی ترجمہ کرده اند .

دُعایِ حَمْدِ مادر حضرت مریم (ع)

رَبِّ اِنِّی نَدَرْتُ لَکَ مَا فِی
 بَطْنِی مُحَرَّرًا لِقَبْلِ مِیَّتِی ،
 اِنَّکَ اَنْتَ السَّمِیْعُ الْعَلِیْمُ ﴿۳۵﴾

۳۵- پروردگار من، آنچه در شکم
 خود دارم «آزاد کرده» نذر تو
 ساختم، پس تو آنرا از من بپذیر
 و تو شنوای دانا هستی، *

میرے رب ! میں نذر مالتی ہوں تیرے لیے جو میرے
 شکم میں ہے (سب کاموں سے آزاد کر کے سو قبول فرما لے
 یہ نذرانہ) مجھ سے بیشک تو ہی (دعا میں) سنتے والا
 (ہیئتوں کو)۔

My Lord, Behold, I vow unto Thee that
 which is in my belly for Thy service. Therefore
 accept it from me. Behold, It is Thou Who
 art the Hearer, the Knower (3 : 35).

* قرآن در سورہ ۱۹ آیہ ۲۸ ، مریم را خواہر ہارون خطاب
 می کند و نہ خواہر موسی ، زیرا روحانیت از امتیازات اعقاب ہارون
 بودہ است ، در زبانہای سامی کلمات "اب" (پدر) "ام" (مادر) "اخ" (برادر)
 و "اخت" (خواہر) ، در یک معنی وسیع تری استعمال
 شدہ و فقط متضمن رابطہ نزدیک پدر و مادری و خواہری و برادری نمی



رَبِّ اِنِّى وَضَعْتُهَا اُنْثَىٰ وَاِنَّ
 اَعْلَمُ بِمَا وَضَعْتَ ۗ وَكَىۤسَ
 الذَّكُوۡرِ اِلَّا اُنْثَىٰ وَاِنِّىۤ اَسْتَعِيۡذُ بِهَا
 مَرْيَمَ وَاِنِّىۤ اُعِيۡدُهَا بِكَ وَ
 ذُرِّيَّتَهَا مِنَ الشَّيۡطٰنِ الرَّجِيۡمِ ﴿٣٦﴾
 (العنكبوت)

۳۶۔ پروردگار من آنرا
 دختر آوردم۔ و خدا دانایتر است
 به آنچه او آورد و پسر مانند
 دختر نیست و من اورا مریم نامیدم
 من او و فرزندانش را از شر
 شیطان رانده شده در پناه تو قرار
 می دهم۔

اے رب میں نے تو جنم دیا ایک لڑکی کو اور اللہ تعالیٰ
 خوب جانتا ہے جو اس نے جنا اور نہیں تھا لڑکا (جس کا وہ
 سوال کرتی تھی) مانند اس لڑکی کے اور (ماں نے کہا) میں نے
 نام رکھا ہے اس کا مریم اور میں تیری پناہ میں دیتی ہوں
 اسے اور اس کی اولاد کو شیطان مردود (کے شر) سے۔

My Lord, Behold, I have brought forth a
 female: God knew best what she had brought
 forth—the male is not as the female, and behold,
 I have named her Mary, and behold, I com-
 mend her to Thy protection, and also her off-
 spring from Satan Outcast (3 : 36).

باشد۔ چنانکہ در خبری از پیامبر متقول است کہ فرمود: «من بمائند
 پدرم ابراهیم دعای کنم» بعضی از مفسران نوشته اند کہ مقصود از
 «محرر» یا «آزاد کردہ» اینست کہ اورا مخصوص خدمت تو کردم و از
 خدمت و تعاقب بغویشتن آزادش ساختم»

دُعای حضرت زکریا علیہ السلام

۳۸- پروردگار من ، از جانب
خویش فرزندی پاکیزه بمن بخش
بی گمان توشمولده دعایی . *

رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً
طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ ﴿۳۸﴾
«الاحزاب»

اے میرے رب! عطا فرما مجھ کو اپنے پاس سے پاکیزہ
اولاد بے شک تو ہی سننے والا ہے دعا کا۔

My Lord! Vouchsafe me from Thyself
goodly offspring. Behold, Thou art the Hearer
of prayer (3 : 38).

* زکریا پیوستہ دعا می کرد کہ خداوند پسری باو بدعد کہ صفات
عالیہ یعقوب را بہ ارث برده باشد و خداوند از او راضی باشد
(سورہ ۱۹ آیہ ۶) (ذریہ) را موائ اقرب الموارد بمعنی مطلق اولاد
گرفته است اعم از یکی یا چندتا .

رَبِّ اِنِّى وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّى
 وَاسْتَعَلَ الرَّاسُ شَيْبًا اَدْلَمُ
 اَكُنْ بِدُعَايِكَ رَبِّ شَقِيًّا
 رَبِّ اِنِّى خِفْتُ الْمَوَالِىَ مِنْ دُونِى
 وَكَانَتْ اِمْرًا قَارِعًا فَهَبْ
 لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا
 وَرَبِّكَ مِنَ الْيَعْقُوبِ لَبِيبًا
 رَبِّ رَضِيًّا

۱۰۶

۴۔ پروردگار من! ہی گمان
 مہم کہہ استخوانم سست شد و
 آتش پیری در سرم بگرفت! و
 (من ہیچگاہ) بخواندن تو بدبخت
 نبوده ام.*
 ۵۔ بیم دارم و زن من
 نازاینده است! پس از نزد خویش
 مرا فرزندی بخش.

۶۔ تا از من میراث برد و
 از آل یعقوب میراث بگیرد! و
 پروردگار من! او را (فرزندی)
 پسندیدہ کن.

اے میرے رب! میری حالت یہ ہے کہ کمزور و بوسیدہ
 ہو گئی ہیں میری ہڈیاں اور بالکل سفید ہو گیا ہے (میرا) سر
 بڑھاپے کی وجہ سے اور اب تک ایسا نہیں ہوا کہ میں نے تجھے
 پکارا ہو اے میرے رب! اور میں نامراد رہا ہوں اور میں
 ڈرتا ہوں (اپنے بے دین) رشتہ داروں سے (کہ وہ) میرے بعد
 (دین ضائع نہ کرہیں) اور مبری بیوی بانجھ ہے پس بخش دے
 مجھے اپنے پاس سے ایک وارث جو وارث بنے میرا اور وارث
 بنے یعقوب (علیہ السلام) کے خاندان کا اور بنا دے اے اے
 رب! پسندیدہ (سیرت والا)۔

My Lord ! Behold, the bones of me are weakened; and my head glisteneth with hoariness, and I have never been, O Lord of mine, unblest in my prayer unto Thee. Behold, I fear my kindred after me; for my wife is barren. Therefore, bestow upon me from Thy Presence a successor who shall be mine heir and an heir of the family of Jacob. And make him, my Lord, pleasing unto Thee (19 : 4-6),

* و آتش پیری در سرم گرفت ، این عبارت است از آنکه پیری همه سرم بگیرفت و پیری رایه آتش وصف کردن ، از غایت تشبیه است و مراد اینست که همچنان که چون آتش در جایی افتد بر یکجای نایستد بلکه پیرامن بگیرد ، پیری هم بدین طریق سرایت کند همه پیرامون بگیرد . و نیز گفته اند که : پیری و شب را در روشنی به آتش تشبیه کرده و فرا گرفتن او سوی سر را به اشتعال و فروختن یعنی : روشن و درخشنده شد سر من از پیری (ابوالفتح ج ۶ ص ۵۶) میدلی ترجمه کرده : من آنم که استخوان من و اندام من مست گشت .

۸۹- پروردگار من ! مرا تنها
 بگذار و تو بهترین باقی ماندگان
 هستی . *

رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ
 خَيْرُ الْوَارِثِينَ ﴿۸۹﴾ (الانبیاء)

اے میرے پروردگار ! مجھے اکیلا نہ چھوڑ اور تو
 سب وارثوں سے بہتر ہے ۔

My Lord ! Leave me not childless, though
 Thou art the Best of heirs (21 : 89).

زکریا این سخن آنکہ گت کہ اورا فرزندى نبود کہ بجای او به
 ایستد و میراث او بگیرد . و برای آن گت کہ : انت خیر الوارثین ،
 تا بدانند کہ او از میراث خود برای خدا دریغ ندارد . جزاینکہ دل
 او درگرو فرزندى صالح است کہ بجای او نشیند و به مقام او بنشیند
 (تفسیر الفتوح ج ۷ ص ۱۰۵) .

دُعای حضرت عیسیٰ علیہ السلام

۱۱۴۔ بار خدایا، پروردگار
ما، از آسمان بر ما مائدہ ہی فرود
آر کہ بر ما، بہ اولمان و آخرمان
عید باشد و نشانی از تو باشد۔
و ما را روزی دہ و تو بہترین
روزی دہندگانی۔*

اللَّهُمَّ رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا
مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ تَكُونُ
لَنَا عَيْدًا لِأَوَّلِنَا وَآخِرِنَا وَ
آيَةً مِنْكَ وَأَرْزُقْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ
الْرَازِقِينَ ﴿۵﴾

اے اللہ، ہم سب کے پالنے والے اتار ہم پر خوان آسمان
سے بن جائے ہم سب کے لیے خوشی کا دن (یعنی ہمارے
انگلوں کے لیے بھی اور پچھلوں کے لیے بھی اور (ہو جائے)
ایک نشانی تیری طرف سے اور رزق دے ہمیں اور تو سب
سے بہتر روزی دینے والا ہے۔

O God! Our Lord! Send down a table
unto us from heaven that it may be a festival
unto us, unto the first of us and the last of us,
and a sign from Thee, and provide for us suste-
nance; for Thou art the Best of providers (5 :
114).

* (عید) در اینجا بمعنی جشن و تعمیر دیگرش شادی جاودانی و لذت
آراستہ۔ بنظر می رسد کہ این قسمت اشارت است بدعای «قوت
روزانہ» کہ مسیح در حق شاگردان خود کرد۔

دُعای حواریون حضرت عیسیٰ (ع)

۵۳۔ پروردگار ما! ما ایمان
آوردیم بدآنچه تو فرو فرستادی و
پیامبر را پیروی کردیم . پس تو
مارا باشاهدان بنویس .

رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا
الرَّسُولَ فَاصْكُتْنَا مَعَ
الشَّاهِدِينَ ﴿۵۳﴾

اے رب ہمارے ! ہم ایمان لائے اس پر جو تو نے نازل
فرمایا اور ہم نے تابعداری کی رسول کی تو لکھ لے ہمیں
(حق پر) گواہی دینے والوں کے ساتھ ۔

Our Lord ! We believe in that which Thou
hast revealed, and we follow the messenger
(Jesus) : therefore, write us down among those
who bear witness (to the truth) (3 : 53).

دُعای اصحاب کف

رَبَّنَا اِنْتَا اِمْنٌ لِّدُنَا وَرَحْمَةٌ وَّ
 هَيْبَتِي لَكَ اِمْنٌ اَمْرٌ تَارِشِدَا ﴿١٠﴾
 (الکھف: ۱۰)

۱۰. پروردگار ما، ما را از
 پیش خود رحمتی بده، و کار ما را
 برای ما به نیکی آماده ساز.*

اے ہمارے رب! ہمیں مرحمت فرما اپنی جناب سے
 رحمت اور مہیا فرما ہمارے لیے اس کام میں ہدایت -

Our Lord! Vouchsafe us mercy from Thy
 Presence, and shape for us a right course in
 our affair (18 : 10).

* آنکہ یہ جوانان کف از بیم دشمن درغار دودہ پنهان شدند
 از خدا درخواست کردند کہ رحمتی برآنها عطا فرماید .

(رشد): صلاحاً و صواباً و الرشید و الرشید لغتان بمعنی
 واحد . (ابو لفتح ۶ ص ۳۸۶) مترجمان طبری آہ را چنین ترجمہ
 کرده اند « برساز ما را از ڈرما صلاحی » و سیدی « و بساز کارما را بہ
 نیکی و راستی و صواب » .

تلفی آہ بعدی خداوند دعای ہنگام مضطر خود را اجابت نمود
 و چندین سال پردہ بیہوشی و خواب روی آنها گترد .

دُعای فرشتگان

رَحْمَتُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ
 أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَمِيدٌ
 مَجِيدٌ ﴿١١﴾ (ہود)

۷۳- رحمت و برکات خدا
 بر شما اہل بیت . ہی گمان ، او
 ستودہ بزرگوار است .

اللہ تعالیٰ کی رحمت اور اس کی برکتیں ہوں تم پر اے
 ابراہیم کے گھرانے والو! بیشک وہ ہر طرح تعریف کیا ہوا
 بڑی شان والا ہے ۔

The, mercy of God and His blessings be
 upon you ! O People of the House, behold, He
 is Praiseworthy, Glorious (11 : 73).

رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَّحْمَةً
وَعِلْمًا فَاعْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا
وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ
الْجَحِيمِ ۝ رَبَّنَا وَأَدْخِلْهُمْ
جَنَّاتٍ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدْتَهُمْ
وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَ
أَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ إِنَّكَ
أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۝ وَقِهِمُ
السَّيِّئَاتِ وَمَنْ تَقِ السَّيِّئَاتِ
يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهُ وَذَلِكَ
هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ۝

(سورن ۲۰)

۷- پروردگار ما! همه چیز
را برحمت و دانش (خود) فراخی
دادی، پس کسانی را که توبه
کردند و راه ترا پیروی کردند
بیمارز، و آنها را از عذاب دوزخ
باز دار.

۸- پروردگار ما! ایشان را
در بهشتهای جاودانه‌یی که وعده
شان دادی در آر، و هر که را که
صالح بودند از پدرانشان و
همراهانشان و فرزندانشان. بیگمان
تو بیهمتای حکیمی.

۹- و آنها را از بدیها بازدار،
و هر که را در آنروز از بدیها باز
داشته باشی، او را رحمت کرده
باشی، و این است رستگاری بزرگ.

اے ہمارے رب! تو گھیرے ہوئے ہے ہر شے کو
 (اپنی) رحمت اور علم سے۔ پس بخشدے انہیں جنہوں نے
 (کفر سے) توبہ کی ہے اور پیروی کی ہے تیرے راستہ کی اور
 بچا لے انہیں عذاب جہنم سے۔ اے ہمارے رب! داخل فرما
 انہیں سدا بہار باغوں میں جن کا تو نے ان سے وعدہ فرمایا
 ہے اور جو قابل بخشش ہیں ان کے والدین ان کی بیویوں اور
 ان کی اولاد سے یشک تو یہی سب سے زبردست (اور) حکمت
 والا ہے اور بچا لے انہیں سزاؤں سے اور جس کو تو بچا لے
 سزاؤں سے اس دن تو گویا تو نے بڑی رحمت فرمائی اس پر
 اور یہی ہے بہت بڑی کامیابی۔

Our Lord! Thou encompassest all things
 in mercy and knowledge, therefore forgive
 those who repent and follow Thy path, and
 keep them from the torment of Hell. Our Lord!
 And bring them into the gardens of Eden which
 Thou hast promised them, with such of their
 fathers and their wives and their children as do
 right. Behold! It is Thou Who art the Mighty,
 the Wise. And keep them from evil, and he
 whom Thou keepest from evil that day, to him
 indeed Thou showest mercy. That is the sup-
 reme triumph (40 : 7-9).

دُعای پراسایان

۴۷- ای پروردگار ما، مارا

باکروہ ستمکاران قرار مدہ *.

رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ

الظَّالِمِينَ ﴿۴۷﴾ (الاسرار)

اے ہمارے رب! نہ کر تو ہمیں ظلم پیشہ لوگوں کے

ساتھ۔

1. Our Lord ! Place us not with the wrong-doing people (7 : 47).

* (لا تجعلنا مع الظالمين يعنى: مع المشركين في النار , نصف الاسرار)

دُعای حضرت محمدؐ یا میرا سلام صلی اللہ علیہ وسلم

۱- ستایش خدائی را کہ
پروردگار جہانیاں است .

۲- بخشاینده مہربان است .

۳- مالک روز باداں است .

۴- تنها تراسی پرستیم و تنها
از تو یاری میجوئیم .

۵- مارا براہ راست ہدایت
کن .

۶- راہ آنان کہ بہ آنها
نعمت دادہی نہ (راہ آنان کہ) بر
آنها خشم گرفتہی و نہ (راہ)
گمراہان .

سب تعریفیں اللہ کے لیے جو مرتبہ کمال تک پہنچانے
والا ہے سارے جہانوں کا بہت ہی مہربان ہمیشہ رحم
فرمانے والا مالک ہے روز جزا کا ہے تیری ہی ہم عبادت
کرتے ہیں اور تجھی سے مدد چاہتے ہیں تو چلا ہم کو سیدھے
راستہ پر راستہ ان کا جن پر تو نے انعام فرمایا نہ ان کا جن پر
غضب ہوا اور نہ گمراہوں کا۔

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْمَلِكِ يَوْمَ
الْقِيَامِ إِلَهِكَ نَعْبُدُ وَإِلَيْكَ
نَسْتَعِينُ إِلهِنا كَأَنَّنا
الْمُسْتَعِينُونَ وَصَلَّى اللَّهُ
عَلَيْهِمْ وَعَلَى آلِهِمْ
وَالصَّالِحِينَ ﴿الفاتحة﴾

Praise be to God, Lord of the worlds, the Beneficent, the Merciful, Owner of the Day of Requit. Thee (alone) do we worship, and of Thee alone do we beg help. Show us the right path, the path of those upon whom Thou hast bestowed (Thy) favours; not of those with whom Thou art angry, nor of those who go astray (1 : 1-7).

۱۵۶- بی شک ما از آن
خدا ییم و بی گمان بسوی او باز
می گردیم *

إِنَّا لِلّٰهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رٰجِعُونَ ﴿۱۵۶﴾
(البقره)

بے شک ہم صرف اللہ ہی کے ہیں اور یقیناً ہم اسی کی
طرف لوٹنے والے ہیں

Behold ! We are God's ; and behold, unto Him we are to return (2 : 156).

* اشارہ بہ تضحیقاتی است کہ از طرف بت پرستان ، غایب مسلمانان
میشد و آنها را از خانه و زندگی خود محروم میکردند و این آیه برای
تقویت روح آنها فرود آمد . این آیه از آیه هائی است کہ معنی آن با
آیه بعدی تمام و کامل شده است . روایتی از طریق فریقین وارد شده ،
هنگامی کہ پیامبر شهادت جعفر را در جنگ «موتہ» بہ علی علیه السلام
گفت ، علی (ع) گفت : ما از آن خدائیم و بسوی او باز میگردیم .

رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً
 وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا
 عَذَابَ النَّارِ ﴿البقرة ۲۰۱﴾

۲۰۱۔ پروردگار ما، در دنیا بما
 نیکی بخش و در آخرت نیز نیکی
 بخش و عذاب آتش را از ما
 باز دار .

اے ہمارے رب ! عطا فرما ہمیں دنیا میں بھی بھلائی
 اور آخرت میں بھی بھلائی اور بچا لے ہمیں آگ کے عذاب سے۔

Our Lord! Give unto us (that which is)
 good in this world, and (that which is) good in
 the Hereafter, and keep us from the torment
 of the Fire (2 : 201).

سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا اَعْفُرْنَاكَ
 رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ ﴿البقرة ۲۸۵﴾

۲۸۵۔ شنیدیم و اطاعت کر دیم،
 پروردگار ما، آمرزش تیرا
 (میںجویم) و بسوی تو باز
 میگردیم .

ہم نے سنا اور ہم نے اطاعت کی ، ہم طالب ہیں تیری
 بخشش کے اے ہمارے رب ! اور تیری طرف ہی ہمیں
 لوٹنا ہے ۔

We hear, and we obey Thy forgiveness,
 our Lord (do we implore)—and unto Thee is
 (our) journeying (2 : 285).

۲۸۶- پروردگار ما، برما مکیر
 اگر فراموش کردیم یا خطا
 کردیم پروردگار ما، برما باری
 منہ چنانکہ ہر پیشینیان مانہادی
 پروردگار ما، آچہ ما تاب آن
 را نداریم برما تحمیل مکن . واز
 ما در گذر و مارا بیامرزد و بمارحم
 کن ، تو سرور ما هستی پس تو
 مارا برگروہ کافران یاری کن . *

رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ كُنَّا
 أَوْ أَخْطَاْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ
 عَلَيْنَا أَوْسْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى
 الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا
 تُحْمِلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ
 وَاعْفُ عَنَّا وَارْحَمْنَا إِنَّتَ
 مَوْلَانَا فَانصُرْنَا
 عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿۱۲﴾
 البقرة

اے ہمارے رب نہ پکڑ ہم کو اگر ہم بھولیں یا خطا
 کر بیٹھیں اے ہمارے رب ! نہ ڈال ہم پر بھاری بوجھ جیسے
 تو نے ڈالا تھا ان پر جو ہم سے پہلے گزرے ہیں - اے
 ہمارے پروردگار ! نہ ڈال ہم پر وہ بوجھ جس کے اٹھانے کی
 ہم میں قوت نہیں اور در گزر فرما ہم سے اور بخش دے ہم
 کو اور رحم فرما ہم پر تو ہی ہمارا دوست (اور مددگار) ہے
 تو مدد فرما ہماری قوم کفار پر -

5. Our Lore ! Condemn us not if we forget or error. Our Lord! Lay not on us such a burden as Thou didst lay on those who have been before us, neither impose upon us, O our Lord, ought which we have not the strength to bear, but forgive us, absolve us, and have mercy upon us. Thou are our Protector. Therefore, give us victory over the disbelieving folk (2 : 286).

* اصر (باری است که آدمی را از حرکت باز میدارد) و تکالیفی است که شخص را از ترقی و پیشرفت روحی و معنوی باز میدارد (اعف) از عفو بمعنی گذشتن گناهان است. در اصطلاح مذهبی غفران بدو معنی آمده است حفظ انسان از ارتکاب گناهی و یا حفظ انسان از مجازاتی که باید برای گناهی که مرتکب شده است باو برسد این دعا را غالباً در قنوت نماز می خوانند و یکی از بهترین دعاها و راز و نیازها با آفریدگار است. در تفسیر «قمی» می گویند که سوره بقره دارای (۵۰۰) حکم است و آیت الله کمره‌ای در کتاب تفسیر خود نوشته است که : سوره بقره با احصایه دقیق ایشان متجاوز از ۷۰۰ حکم را شامل است.

رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ
 هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ
 لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ
 الْوَهَّابُ ۝ رَبَّنَا إِنَّكَ جَامِعُ
 النَّاسِ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ
 إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ ۝
 (آل عمران: ۱۰۳)

۷- ای پروردگار ما ، پس
 از آنکه ما را هدایت کردی ،
 دلہای ما را مایل بباطل مکن و
 از سوی خود ما را رحمتی بخش،
 ہی گمان تو بخشندہ ای .

۸- پروردگار ما تو گرد
 آورندہ مردم در روزی هستی
 کہ شک را در آن راه نیست .
 براستی کہ خدا وعدہ خویش
 را خلاف نمی کند . *

اے ہمارے رب ! نہ ٹیڑھے کر ہمارے دل بعد اس کے
 کہ تو نے ہدایت دی ہمیں اور عطا فرما ہمیں اپنے پاس سے
 رحمت - بے شک تو ہی سب کچھ بہت زیادہ دینے والا ہے
 اے ہمارے پروردگار ! بے شک تو جمع کرنے والا ہے سب
 لوگوں کو اس دن کے لیے نہیں کوئی شبہ جس (کے آنے)
 میں بے شک اللہ تعالیٰ نہیں پھوتا اپنے وعدے سے .

* در این آیه بعضی از مترجمان و مفسران (جامع) رایکی از نامہای
 خداوند دانستہ اند (کشف الاسرار) .

Our Lord ! Cause not our hearts to swerve after Thou hast guided us aright, and bestow upon us mercy from Thy Presence. Behold, only Thou art the Bestower. Our Lord ! Behold, it is Thou who wilt gather mankind together to a Day of which there is no doubt. Behold, God faileth not (His) promise (3 : 8-9).

۱۶- پرورد گارا! گرویدیم
بتوس بیامرز به کرم خود گناہان
مارا و نگاہدار مارا از عذاب
آتش جہنم .

رَبَّنَا إِنَّا أَمَّا فَا غَفِرْنَا
ذُنُوبَنَا وَفِنَا عَذَابَ النَّارِ
(العنکبوت ۳)

اے ہمارے رب ! یقیناً ہم ایمان لائے تو معاف فرمادے
ہمارے لیے ہمارے گناہ اور بچا لے ہمیں آگ کے عذاب سے ۔

Our Lord ! Behold, we believe. So forgive us our sins, and keep us from the torment of the Fire (3 : 16).

۳۶- ای خدای صاحب ملک ،
تو ملک را بھر کہ خواہی بدھی
و آنرا از ہر کہ خواہی باز
گیری ، ہر کہ را (تو) خواہی
عزیز می گردانی و ہر کہ را (تو)
بخواہی خوار می گردانی .
نیکویی بدست تو است و بیگمان
تو ہر ہمہ چیز توانایی ،

اللَّهُمَّ مَلِكَ الْمَلِكِ شَوْقِي
الْمَلِكِ مِنْ تَشَاءُ وَتَنْزِيهِ
الْمَلِكِ وَمِنْ تَشَاءُ وَتَوْجِيهِ
مِنْ تَشَاءُ وَتَنْزِيلٍ مِنْ تَشَاءُ
بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ
شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ تَوَلَّجُ الْبَيْتَ فِي
النَّهَارِ

۳۷- تو در روز ، شب در
آوری و در شب ، روز پدیدار
کنی و از مردہ زندہ بر آوری
و مردہ از زندہ پدید کنی و
ہر کہ را خواہی بی حساب
روزی دہی .

وَتَوَلَّجُ النَّهَارَ فِي
الْبَيْتِ وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ
الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ
الْحَيِّ وَتَرزُقُ مَنْ تَشَاءُ
بِعَدْرِ حِسَابٍ ۝
(ال عمران ۱۳)

اے اللہ اے مالک سب ملکوں کے! تو بخش دیتا ہے
 ملک جسے چاہتا ہے اور چھین لیتا ہے ملک جس سے چاہتا ہے
 اور عزت دیتا ہے جس کو چاہتا ہے اور ذلیل کرتا ہے جس کو
 چاہتا ہے تیرے ہی ہاتھ میں ہے ساری بھلائی بے شک تو
 ہر چیز پر قادر ہے تو داخل کرتا ہے رات (کا حصہ) دن میں
 اور داخل کرتا ہے تو دن (کا حصہ) رات میں اور نکالتا ہے
 تو زندہ کو مردہ سے اور نکالتا ہے مردہ کو زندہ سے اور
 رزق دیتا ہے جسے چاہتا ہے بے حساب۔

O God! Owner of sovereignty, Thou givest
 sovereignty unto whom Thou wilt and Thou
 withdrawest sovereignty from whom Thou wilt.
 Thou exaltest whom Thou wilt, and Thou
 abasest whom Thou wilt. In Thy hand is the
 good. Behold, Thou hast power over all things.
 Thou causest the night to pass into the day and
 Thou causest the day to pass into the night.
 Thou bringst forth the living out of the dead,
 and Thou bringst forth the dead out of the
 living. And Thou givest sustenance unto whom
 Thou wilt without measure (3 : 26-27)

رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا
 سُبْحَانَكَ قَبْلَنَا رَبَّنَا
 رَبَّنَا إِنَّكَ مَنْ تُدْخِلُ النَّارَ
 فَقَدْ أَخْرَجْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ
 مِنْ أَنْصَارٍ رَبَّنَا إِنَّنا
 سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي
 لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ
 فَآمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا
 ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا
 وَتَوَكَّلْنَا مَعَ الْإِبْرَاهِيمَ رَبَّنَا
 وَإِنَّا مَا وَعَدْتَنَا عَلَى
 رُسُلِكَ وَلَا نُخْزِنَاكَ يَوْمَ
 الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ
 الْوَعْدَ ﴿الرعد ١٣﴾

۱۹۰- ای پروردگار ما اینها را
 بیهوده نیافریده ای. پاکی تراست.
 پس ما را از عذاب آتش زگم‌دار. *

۱۹۱- ای پروردگار ما
 براستی تو هر که را در آتش
 افکنی بی گمان خوار و رسوایش

کرده ای و برای مستحکمان
 یاورانی نیست .

۱۹۲- ای پروردگار ما ،
 براستی ما منادی را شنیدم که
 برای ایمان ندا می‌کرد که :
 به پروردگارتان ایمان آورید پس
 ما ایمان آوردیم . پروردگار
 ما ! پس گناهان ما را بیامرز و
 بدیهای ما را بازپوشان و ما را
 با نیکان بمیران .

۱۹۳- ای پروردگار ما
 آنچه را بر (زبان) پیامبران
 بما وعده کردی بما بده و روز
 قیامت ما را خوار مکن براستی
 تو وعدهات را خلاف نمی‌کنی. *

اے ہمارے مالک ! نہیں پینا فرمایا تو نے یہ (کارخانہ
 حیات) بے کار - پاک ہے تو (ہر عیب سے) بچالے ہمیں آگ
 کے عذاب سے اے ہمارے رب ! بے شک تو نے جسے داخل
 کر دیا آگ میں تو رسوا کر دیا تو نے اسے اور نہیں ہے
 ظالموں کا کوئی مددگار - اے ہمارے رب ! بے شک سنا ہم
 نے منادی کرنے والے کو کہ بلند آواز سے بلاتا تھا ایمان
 کی طرف (اور کہتا تھا) کہ ایمان لاؤ اپنے رب پر تو ہم
 ایمان لے آئے اے ہمارے مالک ! پس بخش دے ہمارے گناہ
 اور مٹا دے ہم سے ہماری برائیاں اور (اپنے کرم سے) موت
 دے ہمیں نیک لوگوں کے ساتھ اے ہمارے رب ! عطا فرما
 ہمیں جو وعدہ کیا تو نے ہمارے ساتھ اپنے رسولوں کے
 ذریعہ اور نہ رسوا کر ہمیں قیامت کے دن بے شک تو وعدہ
 خلافی نہیں کرتا -

Our Lord ! Thou hast not created this in
 vain. Thy glory (we extol) ! Therefore, preserve
 us from the torment of the Fire. Our Lord !
 Behold, whom Thou causest to enter Fire, him,

in sooth, Thou puttest to shame, nor shall there be for the wrong-doers any helpers. Our Lord! Behold, we have heard a Proclaimer summoning (us) to Faith, saying: "Believe ye in your Lord!" so we Believed. Our Lord! Therefore, forgive us our sins, and remit from us our evil deeds, and cause us to die (as righteous men that we may rise) with the righteous. Our Lord! And give us that which Thou hast promised us by Thy Messengers. Cover us not with shame on the Day of Resurrection. Behold, Thou failest not to keep (Thine) appointment (3 : 191-194).

* آغاز این آیه اشاره بکسانی است که دایم در ذکر حق اند .

در شب و روز بجز یاد تو در خاطر نیست
بل که در خلوت جان غیر تو کس حاضر نیست

محققان گفته اند که ذکر در این آیه ذکر دل است زیرا ذکر بازبان نمیتواند پیوسته و همیشگی باشد و پایه ذکر دل هم نمیرسد . پس مراد از این ذکران صاحب دلانند که مشغول بد ذکر دل و جاافتد . قیاماً یعنی متوجه بامر الهی . قعوداً یعنی باز ایستاده از ملامتی . و علی جنونیم یعنی آسودگانند در بارگاه وجد و حال و بر کناره انداز پندار و هم غرور و خیال :

حجاب کثرت از هم برداشته	بخدمتگاه وحدت آرمیده
ره وهم و خرد بر خویش بسته	بحق پیوسته و از خویش رسته
	(از تفسیر کاشفی)

* دوآیه اول این بخش بیان کننده صفات مؤمن واقعی است. مؤمن نه کسی است که در گوشه گیری خدا را می ستاید و نه آنست که قدرت آفرینش را فراموش کرده و طبیعت را آفریننده میدانند. مؤمن واقعی کسی است که، خدا را در همه حال، در حال نشستن و برخاستن و در همه جا بیاد دارد و میکوشد تا بر طبیعت نیز چیره شود. اسلام میخواهد که پیروانش با یاد خدا بر نفس، و با کسب دانش بر طبیعت، غلبه کنند.

* این دعاهاى پنجگانه از جنبه ادبی شاهکار بزرگ بشمار می آید.

۷۵- ای پروردگار ما از این
 قریبیبی که مردمش مستحکمانند ، ما
 را بدر آر و از جانب خویش برای
 ما سرپرستی ، معین کن و از
 جانب خود برای ما مدد کاری
 قرار بده .

رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ
 الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا
 مِنْ كُدُنِكَ قَلِيًّا وَاجْعَلْ
 لَنَا مِنْ كُدُنِكَ نَصِيرًا
 (النساء)

اے ہمارے رب ، نکال ہمیں اس بستی سے ظالم ہیں جس
 کے رہنے والے اور بنا دے ہمارے لیے اپنے پاس سے کوئی
 دوست اور بنا دے ہمارے لیے اپنے پاس سے کوئی مددگار ۔

Our Lord ! Bring us forth from this town
 whose habitants are oppressors. Grant us a
 protecting friend from Thy Presence, and grant
 us from Thy Presence a defender (4 ; 75).

* در این آیہ سخن از هدف ثنائی جہاد در راہ خداست . در جنگ
 باسکیان گروہی کہ برای ہجرت نداشتند در مکہ ماندند و آنها کہ می
 توانستند ہجرت کردند . در این جا خداوند مکہ را بعنوان شہری کہ
 مردمش مستحکم بودند یاد کرده است و چنانکہ در متن آیہ دیدہ می شود ،
 این مردم ، ضعیفان و ناتوانان را شکنجہ می دانند و آزاری نمی کردند و جہاد
 برای وہابی ابن بیچارگان ، جہاد در راہ خدا بود و مبارزہ باستمگران
 در آید بعد بعنوان جنگیدن در راہ شکست شیطان آمدہ است .

۸۳۔ ما! ایمان آوریم پس بنویس
ما را یا شاہدان *

رَبَّنَا امَّا نَا فَكُتِّبْنَا مَعَ
الشَّاهِدِينَ ﴿۵﴾
(الباقہ)

اے ہمارے رب ، ہم ایمان لے آئے پس تو لکھ لے
ہمیں (اسلام کی صداقت کی) گواہی دینے والوں میں ۔

Our Lord ! We believe, Write us down,
therefore, among those who bear witness (to
the Truth) (5 : 83).

* ابن آبہ اشارہ بہ اسلام آوردن مسیحیان است کہ بزرگترین
شخصیت ایشان در زمان پیامبر عمان نجاشی امپراطور حبشہ بودہ است.
او ہنگامی کہ گروعی از مسلمانان از دست قریش ہجرت کردند وہ
حبشہ پناہ بردند، انہارا پناہ داد . قریش انہارا دنبال کردند وہ نجاشی
گفتند : انہا بت پرستان هستند کہ مسیح را ہم بڑستی یاد سی کنند .
نجاشی فرمان داد کہ مسلمانان را احضار کنند وہ انہام آنها رسیدگی
کنند . پیشوای آنان بخشی از سورہ مریم را کہ مبین طرز فکر اسلام
در بارہ مسیح بود خواند و نجاشی را چنان متاثر ساخت کہ مدتی
گریست و میس گفت : مسیح بالآخر از آنچه قرآن می گوید نیست .
بروایت (الجامع المسند) امام ابو عبد اللہ بخاری . پس از مرگ او
پیامبر در مدینہ برایش مجالس یادبودی برپا کرد بنظر می رسد کہ
او اسلام پذیرفتہ بود .

اِنَّمَا هَدَيْتَنِي رَبِّيَ اِلَى صِرَاطٍ
 مُسْتَقِيمٍ وَبِنَايَةِ سَمَاءٍ مَّكَّةَ
 اِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَّمَا كَانَ مِنَ
 الشِّرْكِ اِنَّ صَلَاقٍ وَ
 تُسْكِي وَحَيَاتِي وَمَا كَانَ يَلَهُ
 رَبِّ الْعَالَمِينَ كَلَّا شَرِيكَ لَهُ
 وَبَدَا لَكَ اَمْرٌ وَاَنَا اَوْلُ
 السُّلَمِيِّينَ ﴿١٦٢﴾

۱۶۱۔ برستی پروردگارم
 مرا براہ راست ہدایت کرد،
 (بہ) دینی استوار، (بہ) کیش
 ابراہیم حنیف، و او از مشرکان
 نبود۔

۱۶۲۔ بگو: برستی نماز
 من و عبادت من و زندگی من و
 مرگ من، برای خداست،
 پروردگار جہانیاں *

۱۶۳۔ اورا شریکی نیست
 مرا باین فرمودہ اند و من نخستین
 مسلمانانم۔

بے شک مجھے پہنچا دیا ہے میرے رب نے سیدھی
 راہ تک یعنی دین مستحکم (جو) ملت ابراہیم ہے جو
 باطل سے ہٹ کر صرف حق کی طرف مائل تھے اور نہیں تھے
 وہ مشرکوں سے (آپ فرمائیے) بے شک میری نماز اور میری
 قربانیاں اور میرا جینا اور میرا مرنا (سب) اللہ کے لیے ہے جو
 رب ہے سارے جہانوں کا۔ نہیں کوئی شریک اس کا اور
 مجھے یہی حکم ہوا ہے اور میں سب سے پہلا مسلمان ہوں۔

* در این آیه جماعتی از منسیران (نسک) را اذیحہ و قربانی معنی
 نردہ اند (تفسیر طبرسی و کشف الاسرار)۔

Behold, as for me, my Lord hath guided me unto a right path, a true religion, the Creed of Abraham the sound in faith, who was no idolator. Behold, my Salat and my sacrifice, my life and my death, are (all) for God, Lord of the Worlds. No partner hath He. This am I commended, and I am the first of those who surrender (unto Him) (6 : 161-163).

۵۹۔ خدا ہمارا کافی است ،
 زود باشد کہ خدا و رسولش از
 فضل خود بہ ما بدهند ، بیگمان
 ما بہ سوی خدا رغبت
 کنند گائیم ۔

حَسْبُنَا اللَّهُ سَيُؤْتِينَا اللَّهُ مِنْ
 فَضْلِهِ وَرَسُولَهُ إِنَّا إِلَى اللَّهِ
 رَاغِبُونَ ﴿التوبة﴾

کافی ہے ہمیں اللہ تعالیٰ ۔ عطا فرمائے گا ہمیں اللہ تعالیٰ
 اپنے فضل سے اور اس کا رسول ہم تو اللہ کی طرف ہی رغبت
 کر لیاوے ہیں ۔

God sufficeth us, God will soon give us of
 His bounty (what we need) and so will His
 Messenger, Behold, unto God we are suppliant
 (9 : 59).

۲۴۔ پروردگار من ! آن
 دو را بہ بخشای ، همچنانکہ
 آندوسرا پرورش دادند در
 خریدی ۔*

رَبِّ ارْحَمْنَاهَا كَمَا رَّبَّنِي
 صَغِيرًا ﴿ربنہمہ آریلہ﴾

اے میرے پروردگار ۔ ان دونوں پر رحم فرما جس طرح
 الہوں نے (بڑی محبت و پیار سے) مجھے پالا تھا جب میں
 بچہ تھا ۔

My Lord! Have compassion upon them both, as they rared me (with compassion) when I was little (17 : 24).

* عبدالله عباس از رسول ائرم (ص) روایت کرد که فرمود :
هر آنکه در روز قیامت آید و مادر و پدر از او خشنود باشند دو در از بهشت
بروگشایند و اگر یکی خشنود باشد یک در باشد ابوالفتح رازی ج ۶
ص ۳۰۶ و تفسیر الاسراج ۵ ص ۴۰ - ۵۳۹

رَبِّ اَدْخِلْنِيْ مُدْخَلَ صِدْقِيْ
 وَاَخْرِجْنِيْ مُخْرَجَ صِدْقِيْ
 اَجْعَلْ لِّيْ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطٰنًا
 نٰصِرًا ﴿۸۰﴾

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۸۰۔ پروردگار من، در آرم
 مرا در آوردن راست و بیرون
 آر مرا بیرون آوردن راست،
 و مرا از جانب خویش حجتی یاری
 کننده بده .*

اے میرے رب ، جہاں کہیں تو مجھے لے جائے سچائی
 کے ساتھ لے جا اور جہاں کہیں سے مجھے لے آئے سچائی کے
 ساتھ لے آ اور عطا فرما مجھے اپنی جناب سے وہ قوت جو مدد
 کرنے والی ہو ۔

My Lord ! Cause me to enter (Madinah),
 with a true entry, and to come forth (from
 Mecca) with a true forthcoming, and provide
 me from Thy Presence a helping power (17 : 80).

* (مدخل و مخرج) بضم هر دو ميم بمعنى ادخال و اخراج است
 و برخی مدخل و مخرج خوالده اند ، کہ بمعنى موضع باشد . و مفسران
 در تاویزش خلاف کردند عبدالله عباس وقتاده گفت معنی اینست کہ یار
 خدایا مرا در جای صدق بر یعنی : مدینہ و از جای صدق بیرون بر یعنی
 مکہ و نیز گفتند کہ آیت زمانی آمد کہ رسول (ص) ہجرت می فرمود
 (راجع بہ اقوال دیگر رجوع کنید بہ مجمع البیان ج ۶ ص ۴۳۵
 و کشاف ج ۲ ص ۳۷۲ و طبری ج ۱۵ ص ۹ - ۱۴۸)

رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا ﴿١١٤﴾ (طلبہ ۳۰)
 ۱۱۴ - پروردگار من! مرا دانشی
 بيفزای . *

میرے رب! (اور) زیادہ کر میرے علم کو۔

My Lord! Increase me in knowledge
 (29 : 114).

رَبِّ احْكُم بِالْحَقِّ ﴿١١٢﴾ (الانبیاء ۲۱)
 ۱۱۲ - پروردگار من! براستی
 حکم کن .

میرے رب فیصلہ فرما دے (ہمارے درمیان) حق کے
 ساتھ۔

My Lord! Judge Thou with truth (27 : 112).

* مفسران کہتے ہیں: ہر بار کہ جبرئیل آمدی و وحی نزاری، مصطفیٰ (ص) بشتاب خواندن گرفتہ جبرئیل، و صبر نکردی تا جبرئیل از تلاوت و ابلاغ آن فارغ شدی ازیم آنکہ بر وی فراموش شود. رب العزہ اورا از آن نہیں کرد و فرمود کہ تا آن ساعت کہ جبرئیل وحی پاک ہی گزارد و قرآن ہی خواند خاموش می باشد و می شنود، (ابوالفتوح ج ۷ - ص ۴۷ و کشف الاسرار ج ۶ - ص ۱۸۰).

رَبِّ اِمَّا تَرَبَّتِي مَا لِي وَعَدُوكَ
رَبِّتَ فَلَا تَجْعَلْنِي فِي الْقَوْمِ
الظَّالِمِينَ ﴿٩٤﴾

۹۳- پروردگار من ! چه
باشد اگر بمن بنمایی آنچه (ایشان
از عذاب) وعده داده می شوند .

۹۴- پروردگار من ! پس
مرا در (گروه) ستمکاران قرار
مده .*

اے میرے پروردگار ، اگر تو ضرور مجھے دکھانا چاہتا
ہے وہ (عذاب) جس کا ان سے وعدہ کیا گیا ہے تو میرے
رب ، (از راہ عنایت) مجھے ان ظالموں کے ساتھ نہ کرتا ۔

My Lord ! If Thou shouldst show me that
(punishment), which they are promised, then
my Lord ! include me not among the wrong-
doing folk (23 : 93-94).

* دراین آیه ، در واقع تعلیم دعا می فرماید ، چه اگر رسول (ص)
این دعای کرد و یا نمیکرد ، خدا بتعالی اورا در جملہ کافران ہلاک
نمیکرد ، چه اینکار را یا ظالم کند یا جاہل . (ابوالفتح ج ۷
ص ۱۹۴ ، چاپ قمشہای)

۶۷- پرورد گار من! از وسوسه
 های شیطانها بتو پناه می برم . *
 ۹۸- و پناه می برم بتو ای
 پرورد گار من از اینکه (شیاطین)
 سوی من آیند . *

رَبِّ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ
 الشَّيْطَانِ ﴿۱﴾ وَاَعُوْذُ بِكَ رَبِّ
 اَنْ يَّحْضُرُوْنِ ﴿۲﴾
 المؤمنون ۵۷

میرے رب ، میں پناہ طلب کرتا ہوں تیری شیطانوں کے
 وسوسوں سے اور میں تیری پناہ طلب کرتا ہوں میرے رب
 اس سے کہ وہ میرے پاس ۔

**My Lord! I seek refuge in Thee from the
 evil suggestions of the Devilish ones, and I
 seek refuge in Thee, my Lord! lest they approach
 me (23 : 97-98).**

* (رب اعوذیک من همزات الشیاطین) : نزعاتہم وسوسہم، یعنی
 بار خدایا من از اشارت ها و وسوسه های دیوان پناه باتومی دهم
 (عمن) و (رمز) نظایر باشند : جزاینکه (همز) سخت تر باشد و (عمن)
 آسان تر ، و (رمز) از هر دو کمتر (تفسیر ظہری ج ۱۸ ص ۵۱ ،
 تبیان ج ۷ ص ۳۹۳ و ابوالفتوح ج ۷ ص ۱۹۴)

* باز می گوید : بار خدایا پناه باتومی دهم از آنکه شیاطین بر من
 حاضر آیند و مرا وسوسا و اغواء کنند و از حق مشغول گردانند ؛
 (ابوالفتوح ج ۷ ص ۱۹۴ ، وشف الا اسرار ج ۹ ص ۴۶۷) .

رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا
 وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ ﴿۱۰۹﴾
 (المؤمن ۳۳)

۱۰۹۔ پروردگار ما! ایمان آوردیم،
 پس ما را بیامرز و رحمت آور
 و تو بهترین بخشاینده گانی *.

اے ہمارے رب، ہم ایمان لے آئے ہیں سو تو بخش دے
 ہمیں اور رحم فرما ہم پر اور تو سب سے بہتر رحم فرمانے
 والا ہے۔

Our Lord ! We believe therefore forgive us
 and have mercy upon us, for Thou art the Best
 of those who show mercy (23 : 109).

رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنْتَ
 خَيْرُ الرَّاحِمِينَ ﴿۱۱۸﴾
 (المؤمن ۱۳۷)

۱۱۸۔ پرورد گارا بیامرز
 مرا و رحم کن و تو بہترین رحم
 کنند گانی .

میرے رب، بخش دے (میری گنہگار امت کو) اور رحم
 فرما (ہم سب پر) اور تو سب سے بہتر رحم فرمانے والا ہے۔

My Lord ! Forgive (me) and have mercy,
 for of the merciful, Thou art the Best (23 : 118).

* مفرماید : در دار دنیا سومتانی بودند کہ بسوی من دعا می کردند،
 و شمائی کافران آنان را بریسخند من گرفتند تا بدانجا کہ اینکار ،
 شمارا از یاد من و ذکر من غافل کرد . (تجمع البیان ج ۷ ص ۱۲۰
 ولبیان ج ۷ ص ۳۹۹) . ۱۲۷

۶۵- پروردگار ما عذاب دوزخ
از ما بگردان ، بی گمان عذاب
آن شدید ترین عذاب باشد .

۶۶- بی گمان آن بد
آرامگاہی و بدجایگاہی است .

رَبَّنَا أَصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ
إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا فَهَلْ أَتَى
سَاءَتْ مَسْقَرًا وَمَقَامًا ﴿۲۵﴾
﴿الفرقان ۲۵﴾

اے ہمارے رب ، دور فرما دے ہم سے عذاب جہنم
بیشک اس کا عذاب بڑا مہلک ہے - بیشک وہ بہت برا ٹھکانا
اور بہت بری جگہ ہے -

Our Lord ! Avert from us the torment of
Hell, behold ! the torment thereof is severe.
Behold ! It is an ill-abode and wretched station
(25 : 65-66).

۷۴۔ ہرورد گار ما، از زنان
 ما و فرزندان ما روشنائی چشم
 بما بہ بخش و ما را پیشوای
 پرہیز گاران قرار بده .*

رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا
 ذُرِّيَّتًا نَكِرَةً أَعْيُنَنَا
 وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا ﴿۷۴﴾

اے ہمارے رب ، مرحمت فرما ہمیں ہماری بیویوں اور
 اولاد کی طرف سے آنکھوں کی ٹھنڈک اور بنا ہمیں پرہیزگاروں
 کے لیے پیشوا ۔

Our Lord ! Grant us in our wives and off-
 spring, the coolness of (our) eyes, and make us
 patterns unto the pious (25 : 74).

* یعنی : ہاما الطافی کن کہ چون ذکر متقیان رود ما پیش آہنگ
 باشیم گفتند معنی آنست کہ مارا در تقوی چنان کن کہ دیگران بہ ما
 اقتدا کنند (مجمع البیان ج ۷ - ص ۱۸۱ و ابوالفتح ج ۷ ص ۳۴۰
 چاپ قمشہای) .

۴۶- ای حدای آفریننده
 آسمانها و زمین، داننده نھان و
 آشکار، تو حکم می کنی میان
 بندگانت در آنچه اختلاف می
 کردند .

اللَّهُمَّ تَاطِرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ
 عَلِيمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ أَنْتَ
 تَحْكُمُ بَيْنَ عِبَادِكَ فِي مَا كَانُوا
 فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿۴۶﴾

(الزمر: ۴۶)

اے اللہ، اے پیدا کرنے والے آسمانوں اور زمین کے
 اے جاننے والے غیب اور شہادت کے تو ہی فیصلہ فرمائے گا
 اپنے بندوں کے درمیان، ان امور میں جن میں وہ اختلاف کیا
 کرتے تھے۔

O God! Originator of the heavens and
 the earth, Knower of the secret and the mani-
 fest, it is Thou Who wilt judge between Thy
 bondmen, concerning that wherein they differ
 (39 : 46).

رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ
 نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَ
 عَلَى وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ
 صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي
 فِي دِينِي الَّذِي تَبَدُّتَ إِلَيْكَ وَ
 إِلَيَّ مِنَ الْمُسْلِمِينَ ﴿١٥﴾

الاستغاثہ

۱۵۔ پروردگار من! بدل من
 بیفکن تا بہ نعمتی کہ بر من و
 بر پدر و مادر من ارزانی فرمودی،
 سپاس گزارم، و آن نیکویی کنم
 کہ تو پسندی، (پروردگارا) تو
 فرزندان مرا از نیکان کن، کہ
 من بدرگاہ تو روی آوردم،
 و بیگمان من از مسلمانانم۔ *

اے میرے رب، مجھے والمہازہ توفیق عطا فرما کہ میں
 شکر ادا کرتا رہوں تیری اس نعمت کا جو تو نے مجھ پر
 اور میرے والدین پر فرمائی اور میں ایسے نیک کام کروں
 جن کو تو پسند فرمائے اور صلاح (و رشد) کو میرے لیے
 میری اولاد میں راسخ فرما دے۔ بے شک میں توبہ کرتا ہوں
 تیری جناب میں اور میں تیرے حکم کے سامنے سر جھکانے
 والوں میں سے ہوں۔

My Lord ! Stir me up that I may be grateful for the favour wherewith Thou hast favoured me and my parents, and that I may do good deeds which will please Thee. And be gracious unto me in mine offspring. Behold ! I turn unto Thee repentant, and, behold, I am of the Muslims (46 ; 15).

* پروردگارا مرا الهام ده تا شکر نعمت توکنم، آن نعمتی که بر من و پدر و مادرم ارزانی داشتی، و مرا بصلاح دار، و فرزندانم را: یعنی: در حق آنان مرا توفیق صلاح ده و مرا یاری کن، و من بدرگاه تو رو آورم، و من از جمله مسلمانانم ! به تفسیر ابوالفتح ج ۱۰ - ص ۵ - ۱۵۴ و کشف، ج ۳، ص ۶ - ۴۴۵ رجوع نمایند.

رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا

الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا
تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ
آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ

(الحشر: ۱۰)

۱۰۔ پروردگار ما، مارا
و برادران ما را ببامرز: آنان که
در ایمان بر ما پیشی گرفتند، و
در دلهای ما کینه‌ی منہ نسبت
یکسانی که ایمان آوردند، و توای
پروردگار ما بخشاینده مهربانی .

اے ہمارے پروردگار ہمیں بھی بخش دے اور ہمارے
ان بھائیوں کو بھی جو ہم سے پہلے ایمان لے آئے اور نہ پیدا
کر ہمارے دلوں میں بغض اہل ایمان کے لیے - اے ہمارے
رب بے شک تو رؤف و رحیم ہے -

Our Lord! Forgive us and our brethren
who have preceded us in the Faith, and put into
our hearts any rancour against those who
believe. Behold! Thou art Compassionate,
Merciful (59 : 10).

۸- پروردگار ما ، نور ما
 را برای ما تمام گردان ، ویرما
 ببخشای ، بیگمان تو بر همه چیز
 توانایی . *

رَبَّنَا آتِنِمْ لَنَا نُورًا وَغُفْرًا
 إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿۱۶﴾

اے ہمارے رب ، مکمل فرما دے ہمارے لیے ہمارا نور
 اور بخش دے ہمیں بے شک تو ہر چیز پر پوری طرح
 قادر ہے ۔

Our Lord ! Perfect for us our light, and
 absolve us. Behold ! Thou art Almighty (66 : 8).

* در آن روز نور ایمان در پیش او وسعت راست ایشان - میرود و در
 آن حال گویند تو نور مارا بہ حد کمال برسان و مارا بہ لطف کرم
 خرد بخش کہ تنها تو بر همه چیز توانایی .

أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ ۝ مِنْ شَرِّ مَا
خَلَقَ ۝ وَمِنْ شَرِّ مَا نَسَفَ ۝ إِذَا
وَدَّ بَكَ ۝ وَمِنْ شَرِّ الَّتِي تَقْلُبُ فِي
الْعُقَدِ ۝ وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ
إِذَا حَسَدَ ۝

«الفلق»

۱- بگو : پناہ می برم بہ
پروردگار بگاہ ،

۲- از شر آنچه بیافرید .

۳- و از شر شب تاریک چون
در آید .

۴- و از شر زنان جادو کہ
در گره ہا بدبند .

۵- و از شر حامدان چون
حسد ورزند .*

پناہ لیتا ہوں صبح کے پروردگار کی - ہر اس چیز کے شر
سے جس کو اس نے پیدا کیا اور (خصوصاً) رات کی تاریکی کے
شر سے جب وہ چھا جائے اور ان کے شر سے جو پھونکے مارق
ہیں گریہوں میں اور (میں پناہ مانگتا ہوں) حسد کرنے والے
کے شر سے جب وہ حسد کرے ۔

I seek refuge in the Lord of the Daybreak,
from the evil of that which He hath created,
from the evil of the Dark Night when it spread-
eth itself, from the evil of the Females blowing
upon knots and from the Envy of the envier
when he envieth (113 : 1-5).

* در معنی (قلق) چند قول گفته اند یکی : آنکه صبح است، و این قول بیشتر مفسران است ! دوم اینکه (قلق) عبارت از هر چیزی است که خدای تعالی آنرا میشکافد مانند زمین که بوسیله نبات می شکافد : (ان الله فالق الحب والنوى) و کوبها که بسبب روان شدن چشمه ها از آن شکافته میشوند (وان منها لما يتفجر منه الانهار) . سوم آنکه (قلق) وادبی است در جهنم . و روایت کرده اند که : مردی از صحابه رسول (ص) بشام رسید ، خانه های اهل ذمه دید بانجمل و زینت بسیار - ایشان را گفت : نه از ورای این ، فلق است ؟ گفتند فلق چیست ، گفت : خانه بی است در دوزخ :

* و قول چهارم اینکه مراد از آن ، کتابه به (عذاب شدید) است ، گوی می گوید : ای خداوند وای قادر بر عذاب سخت ! از عذاب تو برحمت که برتر و بزرگ تر و بیش تر از آن است پناه می برم .

أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ ۝ إِلَهِ النَّاسِ ۝ مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ
الْخَنَّاسِ ۝ الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي
صُدُورِ النَّاسِ ۝ مِنَ الْجِنَّةِ
وَالنَّاسِ ۝ (التاس ۱۱۴)

۱- پناہ می جویم بہ
پروردگار آدمیان .

۲- پادشاہ آدمیان .

۳- بخدائی کہ معبود انسان
است .

۴- از شر و وسوسہ شیطان

۵- آن شیطانی کہ درسینہ
ہای مردم وسوسہ افکنند .

۶- چہ آن شیطان از جنس
جن باشد یا از نوع انسان .*

میں پناہ لیتا ہوں سب انسانوں

کے پروردگار کی ، سب انسانوں کے بادشاہ کی، سب انسانوں
کے معبود کی بار بار وسوسہ ڈالنے والے، بار بار ہسیا ہونے
والے کے شر سے جو وسوسہ ڈالتا رہتا ہے لوگوں کے دلوں
میں۔ خواہ وہ جنات میں سے ہو یا انسانوں سے ۔

I seek refuge in the Lord of mankind, the
King of mankind, the God of mankind, from
the evil of the sneaking whisper who whispereth
into the breasts of mankind, of the Jinn and of
mankind (114 : 1-6).

* این سوره را بدین جهت ناس گفته‌اند که دستور کلی برای همه
خلایق است که خداوند آنها را از جمیع شرور محفوظ بدارد .

نیایش

علامه اقبال لاهوری

یا رب درون سینہ دل با خیر بده
در بادہ نشہ را لگرم آن نظر بده
این بندہ را کہ بالفلس دیگران نزدست
یک آہ خانہ زاد مثال سحر بده
سیام، مرا بہ جوی تنگ مایہ' میبچ
جولانگہی بوادی و توبہ و شمر بده
سازی اگر حریف ہم بیکران مرا
با اضطراب موج سکون گہر بده
شاہین من بہ صید ہلنگان گذاشتی !
ہمت بلند و جنگل از این تیز تر بده
رفتم کہ طایران حرم را کنم شکار
بیری کہ نافرکنده فتد کارگر بده
خاکم بہ نور نغمہ داوود پر فروز
ہر ذرہی مرا پروبال شرر بده
(زبور شجم)

فهرست منابع و مآخذ

- ۱- احیای فکر دینی در اسلام : محمد اقبال لاهوری ، ترجمه احمد آرام ، کتاب پایا ، شماره - ۱۳۳۸ (بخش سوم) تصور خدا ومعنی نیایش
- ۲- الدعوات الماثورات : ماثوره دعائین ، مرتبه ، عبيدالحق الندوی ، الناشر المكتبه العلميه : لاهور
- ۳- المعجم المفهرس لانفاذ القرآن الکریم : وضعه ، محمد فواد عبدالباقی ، مطابع الشعب ، ۱۲۷۸- هجری
- ۴- بحار الانوار : علامه محمد باقر مجلسی
- ۵- تاریخ قرآن : آیت الله ابو عبدالله زنجانی ، کانون خدمات فرهنگی ، ۳۵۶ هجری
- ۶- تفسیر کشف الاسرار و عده الابرار : ابوالفضل رشیدالدین مهدی ، انتشارات دانشگاه تهران
- ۷- دعاهاى قرآن : گردآورنده دکتر محب الله آزرده انتشارات اسلامى ، ناصر خسرو ، پاساژ مجیدی ، دیماه ۱۳۶۳
- ۸- دعاهاى منتخب قران : با ترجمه فارسى ، گرد آورنده دکتر محمد صادق رجحان استاد دانشکده پزشکی دانشگاه تهران
- ۹- میر تحول قرآن : مهندس مهدی بازرگان ، به اهتمام سید محمد مهدی جعفری ، ۱۳۵۵
- ۱۰- شناخت اسلام : سید محمد حسینی بهشتی ، محمد جواد باهنر ، علی گزاده غفوری ، دفتر نشر فرهنگ اسلامى ، چاپخانه مهر

۱۱- ضیاء القرآن : پیر کرم شاہ ایمہاے (الازھر)

ضیاء القرآن پبلشر ، لاہور

۱۲- طبقات آیات : خلیل اللہ صبری ، ابن سینا ، ۱۳۴۴ شمسی

۱۳- فلسفہ نیایش : دکتر علی شریعتی

۱۴- قرآن مجید : با ترجمہ و جمع آوری تفسیر از زین العابدین

رہنما چاپ کیمہاں

۱۵- قرآن کریم : تفسیر و ترجمہ مہدی الہی قمشہ ، زبیر نظر

دکتر حسین الہی قمشہ ای ، بنیاد نشر و ترویج قرآن .

چاپ ۱۳۹۳ شمسی

۱۶- قرآن مجید از زوی قرآن سلطانی ، ترجمہ حاج شیخ مہدی

الہی قمشہ ای ، .ازمان انتشارات جاویدان

۱۷- قصص قرآن : صدر الدین بلاغی ، امیر کبیر ۱۳۵۲

۱۸- قصص قرآن : سید محمد صفی ، علمی ، ۱۳۴۹

۱۹- قصص قرآن مجید : برگرفته از تفسیر ابو بکر عتیق

نیشا پوری مشہور بہ سوراآبادی ، متوفی ۹۴۴ ہجری قمری .

۱۳۴۷ شمسی - انتشارات دانشگاہ تہران . ہدبہ دکتر

یحیی مہدوی

۲۰- مجموعہ گفتارہا : شہید مطہری ، انتشارات صدرا

تہران ۱۳۶۱ چاپ ناز گرافیک

1. Prayers of the Prophet (Masnun Duain) translated by M. Abdul Hamid Siddiqi. Sh. Muhammad Ashraf-Lahore, Pakistan 1982.

2. Prayers from the Holy Quran P.O. Box 418, Lagos, Nigeria (ادعية القرآن).

3. Prayers of Muhammad completed and translated by A. H. Farid. Sh. Muhammad Ashraf 1984.





